



# مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز یکشنبه (۹ دیمہ ۱۳۵۲)

۳- تصویب صورت جلسه روز پنجشنبه (۶ دیمہ ۱۳۵۲)  
۴- ادامه مذاکره در گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور.  
۵- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه.

فهرست مطالب :

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.  
۲- ادامه مذاکره در گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور.

مجلس ساعت ۴ بعد از ظهر بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

رفیعی - مهندس عباس زاهدی - سعیدوزیری - دکتر شریف امامی - مهندس عطائی - کمالوند - دکتر مشایخی - خانم ضرابی - خانم اسدی - خانم دولتشاهی - خانم مزارعی.

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.

(شرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه آقایان :

۲- ادامه مذاکره در گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور

احتشامی - مهندس اسدی لنگرودی - اسعد رزم آرا - امیر احمدی - پدرامی - دکتر پرتو اعظم - مهندس پروشانی - جعفری - چنگیزی - حشمناس - امیر علم خزیمه - ذوالفقاری - دکتر سعید - عبدالحسین طباطبائی - دکتر عطیعی - فرنود - فضائی - موقر - زرین پور - خانم طالقانی - خانم ابراهیمی - خانم دکتر سرخوش.

رئیس. وارد دستور میشویم کلیات بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور مطرح است آقای زهتاب فردیفر مائید.

زهتاب فردیفر - با کسب اجازه از مقام معظم ریاست و همکاران محترم، صبح گفتیم که برداشت ما باید يك دید و روح انقلابی داشته باشد شما جنگلها را ملی کردید و از اصل ملی شدن استفاده کردید بقصد بهتر کردن و بقصد تبدیل به احسن، البته تبدیل به احسن شد. اما بخاطر و برای چند ده یا حداکثر چند صد نفر، وزارت کشاورزی بفرمائید که بعد از ملی شدن جنگل ما چه مقدار زمین زیر کشت جنگل

غالبی اجازه آقای :

شیخ بهائی

غائبین مریض آقایان :

ابرج مهرزاد - اولیاء شیرازی - ایمان زهرائی - توسلی - جوانشیر - جهانی - خانقاهی - اسمعیل خزیمه - مهندس حسین خسروی - حسام رضوی - ریگی - دکتر

مصنوعی رفته وجه مقدار تبدیل بویلا ، و عبارتی که عرض کردم تبدیل به عشرتکده شده پیشنهادی دادم تصور می کنم ، حداقل من که ذنبغ نیستم باید بگویم و آن اینست که این حساب دو ، دو تا چهار تا است . پروژه هائیکه در این زمینه به مرحله اجراء آمده است مورد قبول و حمایت است ولی زمین هائی که بصورت خانه های شخصی و با بصورت اراضی معاملاتی در آمده اند از این ها سلب مالکیت شده و مطابق قانون و مطابق قراردادی که با آنها داشتید اگر این قراردادها را اجرا کرده اند این صحیح نیست که ما بیائیم اینجا یک حرفهای مردم بپند بزنیم بدون اینکه ضمانت اجرائی داشته باشد . در آستانه تقدیم لایحه بودجه بمجلس ، باصلاح شما ، دولت حزبی دولت خدمتگزار شما ، خیلی حرفه ایزد کارمندان را راجع به تأمین حقوق امینوار کردید و به آنها وعده ها دادید ، راجع به دستمزد کارگران نویدها دادید ، از زبان بعضی ها خیلی در اینجا حرف هائی زده شد که من شخصاً به بعضی از آنها احترام می گذارم و الا آن که دارم اینجا صحبت می کنم اجر خدمت یکی از این خدمتگزاران صدیق و شجاع و باسواد این مملکت را از خداوند مسئلت دارم و آن آقای دکتر آزمون معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف است که در خارج از ایران هم برای ایرانی حیثیت و آبرو بسیار می آورد . آقای آزمون چندی پیش مطلبی را در اینجا فرمودند که آن مطلب در عین اهمیتش نکته ای دردناکتر در نهاد داشت و آن این بود که ضمن آنکه به سؤال دوست شما دوست من آقای جوان شیر جواب دادند ، درباره لیست زمینهای اوقاف اشاره فرمودند که از جمله بعنوان مثل کسی را اسم بردند . توجه یفرمائید آقایان اکثریت و نمایندگان محترم ، رئیس و سرپرست سازمان اوقاف و معاون نخست وزیر مملکت گفتند که اشخاصی هستند که از زمین های اوقاف روزانه ده هزار تومان عایدی دارند این حرف زهتاب فرد نیست حرف دردناکی است ، تحمل این حرف در دوران انقلاب و سکوت مسئولین امر در برابر آن در این دوران وحشتناک است معلوم میشود اگر پرده های پند خیلی رازها فاش میشود - بلی ، آزمون میگوید از زمینهای اوقافی شخص یا اشخاصی هستند که روزانه ده هزار تومان عایدی دارند و سالیانه فقط هفت هزار تومان

بابت اجاره به اوقاف میدهند ( انوشیروانی - کی گفته در این ده سال ؟ ) من که نگفتم در این ده سال ، گفتم در ده سال اخیر سکوت اختیار کرده اند و در این ده سال سکوت شده است . بنظر من جمله من رسا است آقای انوشیروانی بگوش من و شما اینها حرفهای نا آشنا بود حرفهایی نبود که وقتی شنیده میشد یکه بخوریم این چیزی نیست که بنظر حرفی غیر عادی بیاید امروز تحمل اینکه ده هزار تومان روزانه شخص یا اشخاص پول بپردازند سالیانه فقط هفت هزار تومان بپردازند مشکل است . نمی خواهم در حاشیه این خبر توضیحی بدهم و بگویم که مردم از این خبرها از این نوع حرفها خیلی سراغ دارند . این اولین بار است که یکی از مسئولین امر از زبان یکی از متستین به هیأت حاکمه از زبان معاون شریف و صدیق نخست وزیر می شنویم و آنچه موجب حیرتشان است سکوت شماست . ( دکتر کیان معامله شده است ؟ ) همه این حرفها درست اما در دوران انقلاب قوانینی که می دهیم باید در سطح و دید انقلاب باشد . شما از آقای دکتر آزمون پرسید ، شما تحت تأثیر وطن پرستی قرار میگیرید جناب دکتر کیان ، این بخاطر روح پاک ایران خواهی شماست . باید حرفه ایزد باید بما این حرفه را بگویند و ملت باید این سیماها را بشناسد باید رسماً بیایند و این چهره ها را معرفی کنند ، این ها هستند که میشود درباره شان قضاوت کرد . بعضی از همین خائنین آرزو دارند که خدای نکرده در فرصت های نامناسب در کشتی انقلاب سوراخی ایجاد کنند و آب به کشتی وارد سازند و مسیر انقلاب را بنظر خود عوض کنند . اینها مترصدین تغییر مسیر انقلاب اند و از همین راه بدری می افشانند که موجبات ناراحتی و بدبینی را در طبقات مختلف مردم بوجود می آورد . سه روز پیش در روزنامه اطلاعات می خواندم ، نمیدانم شما هم خواندید نمی دانم در حوزه های حزبی تان مطرح کردید ؟ نمی دانم در حوزه های تان این حرفها اصلاً مطرح میشود یا نه و یا مثل همیشه کارتان شعار دادن است . بهرحال دوران شعار دادن فکر می کنم تمام شده باشد و ما وارد دوران سازندگی شده ایم ، ما انقلاب را قبلاً پذیرفتیم ، با خونمان عجب شده است ، لزومی ندارد مرتب در اینجا اسمی از مسلمانی خودم و اسلام بپریم . افتخار من است

که مسلمان و ایرانی هستیم . افتخار داریم که رهبر ما ترض در دنیا به اندازه ای مورد تأیید قرار گرفته که روز بروز کپه برداری میشود . این ها يك واقعیت است اما در کنار آن ، این آشننگی های موجود باید ما را بیش از این بیدار کند . دیروز تحمل می کردیم اما امروز نباید بکنیم . وقتی که چنین خبری را می شنویم باید فوراً تشکیل جلسه فوق العاده حزبی بدهیم ، در حوزه ها مطرح کنیم بگوئیم یعنی چه ؟ این شجاعت اخلاقی و پرده دری صحیح ولی سکوتش قابل تحمل نیست ، سکوتش باعث تعجب و حیرت است . گفتم سه روز پیش در روزنامه اطلاعات می خواندم مطلبی را که عکسش را هم در کنارش چاپ زده بودند که يك زمین وسیعی را مثل دیوار چین دور آن حصار کشیده بودند و در اختیار خود در آورده بودند . آقا این شهردار و مسئولین امر کجا بودند ؟ این دیوار که من عکسش را دیدم لااقل چند ماه طول می کشد تا دیوار دورش بکشند . چطور شده که عده ای زمین خوار دوران چشم مأمورین دیوار چین ساختند . دور ملیونها متر زمین دیوار کشیدند . این جز با ساخت و پاخت ممکن نیست مگر کی جرأت می کند چنین کاری را سر خود انجام دهد ؟!

آیا وقتی این خبر را یکی از مسئولین امر خواند بلافاصله گزارشش را تنظیم کرد که چنین عکس و چنین مطلب و چنین عبارتی است ؟! و گفتند که عده باز دوباره فیلشان یاد هندوستان افتاده دوباره کارهایی که قبل از انقلاب می کردند و انجام میگرفت ، انجام میشود ! یعنی چه ؟! این باید عنوان شود باید بررسی شود و باید متجاوزین به مجازات برسند و اسمشان فاش شود بلی این کارها هست . نه تنها هست بلکه بعضی ها جاری تر هم شده اند آیا در هیچ کدام از این وزارتخانه های شما چنین گزارشهایی تنظیم شده است ؟ آیا در حوزه های تان این حرفها را مطرح میکنید ؟ يك موضوعی را چندی پیش بمن گفتند ، راستش اینست که من خیلی حرفه ایزد می شنوم . آیا درباره اینها در حوزه حزبی اصفهان تان يك گزارش ساده تهیه شده است ؟ بلی می شنیدم چند سال پیش شهرداری شیراز يك سردخانه خریده به ۴۰ میلیون تومان ، تا اینجایش را می دانم که يك پرونده هم برایش تشکیل شده

توسط بازرسی شاهنشاهی ، ما همه حرفها و شایعات را نمی گوئیم چون هر خبری که شنیده میشود قابل صحبت نیست ولی حداقل بخاطر اینکه زمینه این نوع اعمال تکرار نشود باید باز گو کرد . میگویند این ۴۰ میلیون تومان را دادند بدون اینکه سردخانه ای وجود داشته باشد . يك آدمی آمده يك قرارداد بسته و پولی گرفته و رفته این چهل میلیون تومان از جیب و بودجه شهرداری رفته از سردخانه هم خبری نیست به بیند بعضی از غارتگران و سر سپردگان بعضی از مراجع و منابع باجه نیرنگ و باز یهائی برخلاف مصالح مملکت دارند از بیت المال مردم پول میگیرند و میرند بهرحال صحبت هائی از اینجا و آنجا میشود شما می دانید چقدر درست است بهرحال من که نماینده بناب و ملکان هستم مردم آنجا هم از من انتظاراتی دارند خواهند گفت که آقا در همه مقوله ای حرف زدی جز درد دل های ما ، شرعاً و عرفاً و قانوناً من با آنها مدیونم و مقداری از و قتم را موظفم صرف کار آنها بکنم . مقداری از این تریبون را اختصاص بحوزه این بناب و ملکان و مردمش باید بدهم . بنای ویا مردم دیگر از شهرستانها يك حرف خیلی خیلی ساده بودجه ای می زند لااقل اصطلاح بودجه را در اینجا میتوانند بکار ببرند و بگویند ، میگویند از این بودجه چندین میلیارد ریال چقدرش بماند تو منی چند بما میرسد ؟ تو منی بکفران ؟ دهشاهی يك عباسی ؟ آنها حساب یکشاهی و صنار را میدهند و میبرند که مثلا از این بودجه آموزش و پرورش چه مقداری بما میرسد ؟ با ذریایجان چقدر میرسد تا حساب کنیم که بمردم بناب چقدر میرسد شما ببینید آذربایجان واقع در مرز سه کشور ، آذربایجانی که زبانش زبان محلی است ، مانم میخواهیم بگوئیم که زیادت بردهید ، ما زیادت نمیخواهیم ولی لااقل تومنی ۵ ریال و ۸ ریال از حق و سهم ما را بما بدهید . آیا يك همچون سازمانی در دوران انقلاب نداریم که بیاید بگوید این مقدار بودجه است این مقدار دانشجو و دانش آموز داریم ، این مقدار را باید سرانه تقسیم کنیم بگوئید اینقدر هم شما میرسد ، ولی در وضع موجود و ملاحظاتی بناب و ملکان بیش از این شما نمیرسد ؟ این مهمتر است ماهنوز در هشت و دخیلی از مدار سمان در جاهائی تشکیل میشود که باور بفرمائید سل خیز است یعنی اگر آدم در آنجا ۳-۴ سال

زندگی بکند مسلول میشود. در بناب، در حوزه انتخابیه من، اکثر مدارس ما نصف روز است و اکثر آن مدارس هم معلم ندارند. ما در بناب، در قریه قشلاق جناب دکتر دادفر عزیز شما بهتر میشناسید، يك دهکده ای داریم در دوران دهه انقلاب در آنجا از دوست نفر بیشتر مسلول هستند، آب آشامیدنی ندارند حوزه انتخابیه من منطقه حاصلخیزی است، درست مثل کف دست، در دوسه متری آب درمی آید، يك چنین زمینه مستعد زراعی دارد ولی راه روستائی ندارد. نیامدند به بینند این بناب که صدو چند بار چه ده دارد و سالیانه مقدار زیادی از محصولش صادر میشود و حتی از مشهد و چند شهرستان و استان دیگر انگور می آورند و در کار خانجات بناب و مراغه بصورت سبزه در می آورند، و کارخانه های وسیع قالی بافی دارد این مطلب را بیده های اجتماعی مستمسک قرار ندهد و برود برگ بیمه های اجتماعی بآنها بفرستد کارگران این کارگاه های قالی بافی در واقع اعضاء خانواده دوسه نفری خودشان است واقعا این بیمه های اجتماعی هم مصیبت بزرگی شده است که درباره آن صحبت خواهم کرد. در چنین محیط مستعدی راه روستائی نیست. مانقاضا کردیم مکرر به اینجا و آنجا رفتیم به وزیر محترم فرهنگ و هنر و معاون ایشان جناب زاد عزیز نویسنده و دانشمند که واقعا صاحب نظر در مسائل اجتماعی هستند، گفتیم. آقا يك خیابان کشیدند در بناب، هنوز این خیابان تمام نشده و در اول این خیابان يك مسجدی است باز از جناب آقای دادفر که همیشه از مردم حوزه انتخابیه من حمایت میکردند متشکرم که میدانند این آقای مهندس این بی انصاف نیامده است نقشه خیابان را کمی کنار بکش تا هم مسجد محفوظ بماند هم خیابان مورد بهره برداری باشد رئیس سابق انجمن شهر بناب آدم متدبیری است. سید معمم و عالی مقام و تحصیل کرده و صاحب محضر است. مکرر تقاضا کرده و نامه نوشته که این مسجد را از جلوی این خیابان بردارید این را يك آدمی می نویسد که روحانی عالی مقام است. توجه بفرمائید که دید امروز مردم، دید انقلابی است. وزارت فرهنگ و هنر میگوید این مسجد جزو آثار باستانی است. شما بهتر می دانید اگر در خانه ما يك کتاب داشته باشیم که ۴ سطر خط داشته باشد و یا اگر

يك عدد کاسه و بشقاب از اجدادمان باشد این را دوستی می چسبیم و اگر یکی آمد و گفت قیمت این چند است؟ می گوئیم صد هزار تومان مثلا اگر پدر بزرگ بنده هم سه چهار سطر شعر بند تنبانی گفته و نوشته باشد خوب این شعرها که ارزشی ندارد دوستی بآن می چسبیم و بآن ارج مینهم. اگر این مسجد يك بنای باستانی میبود این مردمی که اینقدر از غرور ملی و تعصب منطقه و محلی برخوردارند و معتقد میشوند که باین دلیل مثلا بناب یکی از بزرگترین شهرهاست و یکی از شهرهای باستانی است، آیا از این بنای مسجد باستانی صرف نظر میکنند؟ این مسجد مقداری چوب بست دارد که رویش خطوطی کشیده شده و نوشته شده من میگویم این تخته ها را بردارید تا خیابان باز شود و شما این آثار باستانی تان را در جای دیگر پیاده کنید این جا آثار باستانی نیست. این برای مردم شهر يك عقده شده وقتی که آمدند آنجا را خیابان کشی کنند، قبل از انقلاب، گفته شد حیف و میل هائی شد بخاطر اینکه مسیر خیابان عوض شود آقا چند دفعه باید بگویم برای این مسجد فکری کنید. وقتی بر میگردیم به حوزه انتخابیه مان، این هاست که درد مشترک میشود همه حرفهای من که حرف مخالف خوانی نیست.

آقایان دید موکل شما باید موکل من اختلاف

ندارد آب، برق، مدرسه، بهداشت، معلم و بودجه فرهنگی و آموزشی خواست شما هم هست و برای تحقق این هدفها است که به این جا راه پیدا کرده ایم. نه اینکه يك افتخاری يك امتیازی پیدا کنیم و در يك رده ممتاز اجتماع شناخته شویم آمده ایم اینجا که استنباط خودمان را بگوئیم بدانید ما حق توصیه داریم حق نامه نوشتن داریم و نترسید اینها برایتان پرونده نمی شود چون تقاضای نامشروع نداریم بنده برای این اینجا آمده ام که هر جا هر چه را می بینم بگویم اینها خواست و احتیاج حوزه انتخابیه بنده و شما است و این تقاضاها و این کاغذها را جواب بدهید این نمایندگان وقتی بحوزه انتخابیه شان بر میگردند واقعا شرمند میشوند مردم می آیند به ملاقات نماینده شان و میگویند ما ملاده بار ارجع به مسجد نامه نوشتیم این تقاضای شخصی که نبود يك اقدام اصولی بود چرا اقدام

نکردی باید بگویم شما آدم های بدشانی هستید که نماینده از اقلیت انتخاب کرده اید و هیئت حاکم خطش را نمیخوانند همین دفعه پیش که رفته بودم دیدم ۸۰،۷۰ نفر جوان در مزرعه ای فوتبال بازی میکنند چند نفری من را شناخته اظهار محبت کردند و این جوانان با همان صمیمیت با همان صفای باطنی با خون پاک و عرق ایرانی که هنوز دست نخورده مانده اند هنوز با سینه ما کاباره آشنا نشده اند از من خواستند که از تربیت بدنی برای تهیه يك زمین فوتبال يك جای ورزشی اعتباری بگیرم مرتب هم کاغذی می نویسند و بلا دفعه می کنند من را اگر قسم و خدا حافظی کردم و دنبال کار آنها نیستم نه والله مرتب مراجعه می کنم آقا ایران تنها، تهران نیست البته تهران پایتخت عزیز ما است اما این مجموع حال و احوال ایران است که بما حیثیت می بخشد این صحیح نیست که ما روستاها و دهات و بخشها را فراموش کنیم انقلاب بخاطر اکثریت تحقق یافته شاهنشاه دستش را بحمايت از آنها بطرف آنها دراز کرده تاثر چندین مسأله شاهنشاه و اینکه میفرمودند که من همیشه احساس میکردم که در مقابل محرومین يك دین سنگینی دارم انقلاب جوابده این احساس است ما این بودجه را از این چهار دیواری تهران باید خارج کنیم از این اعتبارات عمرانی، شهرستانها چه سهمی دارند هر کس دستش بجائی بنداست با چهار نفر حساب شخصی داریم و در اصطلاح خودتان ناخنک میزند يك مبلغی از این پول را می برد ولی هر کس که معتقد است که يك سازمان بزرگ است يك وزارت آبادانی و مسکن است و حتما این بودجه را عادلانه تقسیم می کنند کلاهش پس معرکه است آقا تقاضای مردم بناب فقط ۳۰۰ کیلومتر راه فرعی است اینها چند سال است این تقاضا را داشته باشند خوب است؟

**یک نفر از نمایندگان** - در برنامه چهارم اولویت قائل شدند.

**زهتاب فرد** - استناد می کنم برای مردم محروم آنجا با این رقم بودجه جالب وعده می دهم که امسال انشاء الله تحقق خواهد یافت آقا واقعا مردم بکجا پناه ببرند این یادداشت را که ملاحظه میفرمائید من اصلا این آقا را نمی شناسم شماها این یاد داشتها را بگیرید

در حوزه های حزبی تان بررسی کنید با مسئولین امور در میان بگذارید نترسید این تلخ گوئنها دوستی داناست این نقش ناصح مشفق است این آقای محسن وزیر نام را من اصلا نمی شناسم نامه نوشته بر روزنامه اطلاعات و استاد دانشگاه است میگوید که آثار نقاشی من در معرض نابودی است میگوید منی که چندی پیش رفتم بخارج و آثارم را بنمایش گذاشتم آقا این یکی از افتخارات این مملکت و این نسل دوره انقلاب شما است میگوید مالک برای اینکه مرا از خانه استیجاری بیرون کند سقفش را پائین آورده است چرا این را به روزنامه داده بخاطر اینکه از دستگاههای ما متأسفانه مأیوس شده این يك استاد دانشگاه است ما که می گوئیم باید از فرار این مغزها جلوگیری کنیم باین مسائل پیش بافانده مواجه میشوند ما مأیوس میشوند این استاد دانشگاه بوده قلمی داشته توانسته بر روزنامه بدهد اگر دیگران که تیری ندارند و قلمی ندارند مواجه با چنین تظلمی بشوند چکار کنند؟ پس این مطالب کوچک نیست عده ای از خرد مالکین و زارعین نامه نوشته اند که بموجب قانون ما نباید حق الثبت بدیم این قانونی است که خود شما تصویب کرده اید ولی از ما عوارض و حق الثبت میخواهند دیروز هم چند دقیقه با جناب وزیر دادگستری صحبت کردم ایشان هم قبول دارند چون نمیتواند قبول نداشته باشند شخصیت برجسته مملکت هستند و دید اجتماعی و انقلابی دارند و هنوز صحبت های آموزنده ایشان در دوره ۲۱ در گوش من است آخر اینکه ملکش را دلش نمیخواست بفرود شد شما بر مبنای مصلحت جامعه آمدید ملک را بقیمت عادلانه خریدید که طرحهای خودتان را عمل کنید قانون گذرانندید که بموجب تبصره ماده ۴ قانون فروش املاک مورد اجاره سال ۶۶ کلیه نقل و انتقالات و تنظیم سند و عملیات ثبتی مربوط به اجرای این قانون از پرداخت هر گونه مالیات و حق الثبت و هزینه و غیره معاف است ولی آقا بدانید که می گیرند شما بعضی هایتان از زارعین دیروز، خرد مالکین دیروز هستید و دندان روی جگر میگذارید و سکوت میکنید ولی همین دندان روی جگر گذاشتن هاست که کارها را خراب میکند این حق اوست مثلا بلغتر من و شما بیاید با من و تو حرف بزنند بنده باز مقدمه چینی بکنم نه خودم نه متوسلین

من هیچ کس در این مسئله ذنبغ نیست اما در سطح مملکت در حوزه انتخابیه، همه شما این یکی از مشکلات روز است. خدا جزا دهد آنان که چاره دل مایک نگاه نکردند و میتوانستند اینکه دیگر يك رقم وحشتناك نیست شما که میتوانید و قبول کردید و تصویب کردید چرا میگیرند اینها یکی پناه ببرند؟ بلی حرفهای من حرفهای خیلی خیلی سطح پائین است و واقعاً با این بودجه صد میلیاردی نمیتواند عرض کردم اکسپرتهای شما میآیند و حرفهای سطح بالا و بودجه ایرامیگویند مسائل دقیق و علمی و فنی را مطرح میکنند من هم که دوران انقلاب است و هنوز دهه اول را تازه گذرانده ایم از همان طبقه ای هستم که مسائل را از دیدگاه کوچک بررسی میکنم انقلاب ما را از يك کلاس بکلاس دیگر وارد کرده و خواه ناخواه دید و توقعمان را بالا برده چند روز پیش که پیاده میآمدم تا دفترم که اول خیابان صفی علیشاه است، در مسیر خود گاهی کتاب مطالعه میکنم یکمرتبه برخورد جلوی من يك سیاهی پیدا شد فکر کردم راه را عوض آمده ام ولی دیدم نه وسط پیاده رو آمده اند دهکای ساخته اند آیا این صحیح است که بیایید وسط پیاده رو دهکای بسازید ولو اینکه بخواهید با گرانی مبارزه کنید ولو دفتر پست و تلگراف باشد آیا این را از شهرداری اجازه گرفتید این چه برداشتی است که هر کس دست اندر کار يك مسند قوه اجرائی میشود تصور میکند کلید مملکت در دستش است هر کس این صندلی وزارت این صندلی قدرت اجرائی را بدست میآورد مطلقاً احساس مسئولیت نمیکند این چه اعجازی است چه آثاری بر آن مترتب است آخر این دهکای که ساخته اید مغازه مقابلش را کور کرده است سرفلی این مغازه پائین می آید رهگذر از این طرف رفت و آمد نمیکند و از او خرید نمیکند ضرر این شخص را کی باید بدهد چرا پیاده رو را مثل میز نم وسط خیابان دکان میسازند خیابانی که تازه اسفالت شده مثل اینکه پهلوی هتل کنتینتال است در بهترین نقطه تهران دیوار شرقی پارک فرح که يك بازار است آنها ایجاد کرده بودند متکه گاهی که بابچه هایم میرفتیم پارک فرح میدیدم خیابانی که محل رفت و آمد خارجهایم و توریست هاست آخر در کنار آن خیابان يك زمین بایر نبود که شهرداری برود

اجازه بگیرد که وسط خیابان بازار ایجاد نکند از این مسئله يك نتیجه میخواهم بگیرم و این تجری و بی پروائی مسئولین امور است در هر برنامه و در هر برداشت این را تسری بدهید در تمام کارها در برخوردشان با مراجعین در تصمیمات خرید و فروش و همه چیز صحبت اگر از این دردها باشد یکی و دوتا ده تا نیست اما راجع به آموزش و پرورش و این دوره های راهنمایی قصدم بحساب رسیدن نیست چون میدانید که من ده دقیقه و یک ربع و نیم ساعت صحبت میکنم و میروم و باز آنها وزیرند و معاونند تعظیم خواهند دید و از همین حرفها اما اینها باید گفته شود شما آمدید این مسئله راهنمایی را برگزار کردید سمینار و کنفرانس برگزار کردید اما میدانید از این برداشتان چی عاید اجتماع میکنید يك مشت محصول که فقط يك مقدار محفوظات دارند راهنمایی دارد ولی ابزار و آلاتش را نگذاشته اید شما که معلم تمام وقت ندارید شما که معلم تان و قتش پیش فروش شده نیم ساعت دیر می آید و نیم ساعت زودتر میرود تا در بخش خصوصی تدریس کند شما که زندگی معلم را به آن اندازه تأمین نکردید که با خیال راحت درس بدهد شما که نه ابزار و آلات نجاری و نه مکانیکی و نه برق هیچکدام را ندارید برای تهران تاجه رسد به استانها و شهرستانها و بخشها این راهنمایی بدون اینکه معلم کافی داشته باشید بدون امکانات يك کسی رفته بخارج و برگشته و يك تزی کپیه شده را بشما ارائه داده و شما هم برای اینکه حرف تازه ای بزنید پیاده کرده اید این مسئله بسیار مهم است این باسرنوشت يك يك خانواده من و شما ارتباط دارد آیا آنکه تشخیص دهنده این استعدادهاست دارید آیا برای مدرسه راهنمایی امکانات دارید بنده که بچه ام را میبرم بدبستان و این وضع بلبشو را می بینم بکجا پناه ببرم؟ بکدام يك از مسئولین بکدام يك از سازمانها اینکه نمی شود همه را در بلاتکلیفی بگذارید و واقعاً در بلاتکلیفی هستیم و بقدری هم گفته شده که منم بشما حق میدهم که تقریباً شما هم بحرفهای من گوش ندهید آموزش ما تعلیم و تربیت ما که البته تربیت هم برای وزن شعر آمده چون فقط در تعلیم تکیه هست و این هم دارد تدریجاً بصورت امتیاز طبقاتی در میآید (صحیح است) کمتر

خانواده ای است که به بچه اش علاقمند باشد ولی این رغبت را نداشته باشد که از هر جا هست دو هزار تومان فراهم نکند و بچه اش را به مدرسه ملی نگذارد در دوران انقلاب حداقل دو کساز را بکنید شما را بخدا از حزب لااقل این فشار را صدر صد بیاورید که دموورد مجانی و عمومی باشد آموزش و درمان این درد بی درمان است سال گذشته وزارت آموزش و پرورش آگهی داد که دستور دادیم بروید تفاوت قیمت های تان را بگیرد ولی هر کس رفت دید مسئولین امر مقداری مقدمه چینی کردند و همه صرف نظر کردند چه کنند بچه اش را میسپارد بدست او باید رضایت او را فراهم کند يك مشت آگهی های حساب باز کنی بچراید داده شد به پاره ای از مطبوعات و نتیجه چه شد صفر، يك نفر نمیتواند مدعی شود که رفتیم ۵۰۰ تومان پس گرفتیم هر کس رفت مقداری مقدمه چینی شنید از مشکلات کار و اضافه شدن حقوق معلمین و منم که برای دریافت تفاوت قیمت مراجعه کردم ولی زیر چشمی متوجه سیمای بچه ام بودم که نسبت بر رفتار پدرش سخت ناراحت است صرف نظر کردم این تشریفات ما را بجائی نمیرساند شما در این آموزش این همه خرج میکنید آیا این را فقط در چند مرکز استان میخواهید نمایش بدهید برای افتتاح و این چیزها و هیئت حاکمه را بردن بآنجا آیا این بودجه باید بخش بشود تا مرز ایران برای حوزه انتخابیه امثال من و شما از بودجه آموزشی شما مبلغی که میرسد بیناب در حدی است که سطحش و مبلغش پائین تر از ده سال پیش است که این جور در میآید ممکن است بفرمائید چرا اینقدر بی انصافی کرده اند ما سال گذشته دو تا دبیرستان در حوزه انتخابیه شما گذاشتیم این درست است اما تعداد طالبین تحصیل سطحش خیلی رفته بالا باید جواب گوی اینها باشیم و متأسفانه نیستیم شما در کودکستانها آنچه را که توجه ندارید برداشت روح انقلاب ایرانی بر مبنای دین اسلامی است بچه من روز اول که پایش را میگذازد بکودکستان وقتی که بر میگردد میگردد گودمور نینگ، گودبای، بسای بای و غیره (خنده نمایندگان) این برای کسانی که بفردای این مملکت می اندیشند بجای خنده گریه شان میگیرد

واقعاً هم گریه دارد من نمیدانم خانم وزیر شما چه فرمودید علاقه داشتم میشنیدم (خانم دکتر پارسی - گفتیم ما چنین چیزی نداریم) چرا حداقل بعضیها قبول میکنند. در کلام قبل از ظهرم عرض کردم این مملکت را تنها مادیات حفظ نمیکند ما تاریخ ۲۵۰۰ ساله مان را بر مبنای قدرت مالی حفظ نکردیم آنچه برای ما تاریخ ساخت آنچه برای ما تاریخ حفظ کرد و آنچه تاریخ را بمن و شما داد ایرانیست بود فکر ایرانی بود و توجه به معنویت بود ما از همان کودکستانها باید فکر ایرانی بودن را تبلیغ کنیم غفلت نکنیم از این موضوع شما میدانید که ما در این ۳۰ سال اخیر در بحرانها و تاریکیها این مملکت را محرومترین افراد حفظ کردند شما قبول دارید که متفدین، مقتدرین، صاحبان عنوان و تیت در جنگ بین الملل اول عدده از ایشان در شمال پرچم تزار و در جنوب پرچم دولت قخمیه را بر سر در متزلشان زدند ولی آن روز طبقه محروم بانکای مبنای ایمانی، غرور ملی این مملکت را از سیل حوادث حفظ کردند (صحیح است) در گذشته نزدیک در سوم شهریور در وقایع شوم ۱۳۲۴ آنها تیکه در جبهه بودند کی ما بودند همه هستی از دست دادگان، اما صاحبان ایمان (احسن) در مدارس باین چیزها توجهی هست؟ من که نمیبینم شما در دولت يك مشاور مذهبی دارید؟ حالا فرمائید زهتاب دارد برای ما روضه سیاسی میخواند روضه نیست افتخارات ما افتخارات بزرگ ما اینستکه ما کشور اسلامی هستیم چه ضرر دارد همین آقای آزمون را معاون مذهبی اسم بگذارید من البته باسم دلخوش نیستم اما این توجه به بعضیها هم توجه میدهد که اینجام مملکت اسلامی است روز بروز توجه ما بؤسست عالی ای است که نمیخواهم بگیرم که مطلقاً نقی ندارند ولی ما نیاز فوری و فوئی بآنها نداریم ببینید چقدر دانشکده های بازرگانی ترجمه ادبیات خارجی و از این قبیل داریم چندتا مؤسسه عالی حرفه ای داریم دانشکده ادبیات با از این ردیف، چقدر پول میگیرند چهار هزار تومان، چه لازم دارند؟ چند تا استاد دانشکده حرفه ای چند میگیرد فرض کنید در همین حدود، چه لازم دارد؟ انواع ماشین آلات سنگین قیمت و استخدام مهندسین عالی مقام شما اینها را

تقویت نمیکنید کمک نمیکنید برای فردای مامهندس ماهر کارگر ماهر فنی، استادکار، مهندس یار و مهندس تربیت نمیکنید آنچه که تربیت میکنید يك مشت مدعیان اشغال صندلی اجرائی است اگر شما دیروز در برنامه خودتان پیش بینی تأمین سیمان و آجر و این چیزها را میکردید که حالا باین روز نمی افتادید که بگوئید اجازه ساختمان نمیدهیم برای اینکه آنها میپذیرید ولی قبلا مواد اولیه اشرا تهیه نمیکنید درباره سیمان مطلب زیادی گفته شد ولی يك مطلب بازگو نشد و آن این بود که پیش بینی و عدم پیش بینی شما بحثی است که من یادم میآید خدامردگان شما را رحمت کند من دایه ای داشتم بنام خدیجه سلطان (یکی از نمایندگان خدیجه سلطان عربی است) يك اسم اسلامی است این شخص دید اقتصادیش خیلی وسیعتر از دید اقتصادى امروز شماست (خنده نمایندگان) چون او در آن موقع با نزدیک شدن زمستان میدانست که راهها بعد از دو سه ماه بسته میشود و آمد و رفت محدود و مشکل میگردد يك گوسفندی را در فضل مناسب میکشت و قرمه میکرد که در فصل زمستان بدرد ما میخورد این دید اقتصادى خدیجه سلطان های دیروز است شما چطور توجه نکردید که بازار کاغذ فردا محدود و گران خواهد شد تا آنجائیکه من اطلاع دارم حتی از طرف مقامات مسئول شما یادآوری شد شما چطور توجه نکردید آنروز برای اولین باری که رفته بودم به کمیسیون بودجه يك مسئول قند و شکر آمده بود آنجا از او پرسیدند که کمبود قند و شکر چیست؟ ایشان طوری نشان داد که گویا يك مشکل را بطور استثنائی فقط ایشان برای ما حل کرده اند و هیچکس عقلش نمیرسد در سه مورد اشکال آورد یکی اینکه پیش بینی کمبود بازار را نکردیم دوم اینکه پیش بینی مصرف زیاد را نکرده بودیم سوم اینکه سرمایه که آمد چقدر را، زد ببینید مسئولین چقدر زود مسئله را حل میکنند و خودشان را تبرئه میکنند خوب سیمان کم آمد قند و شکر کم آمد این يك بحثی است که همه ما مکرر شنیده ایم اما يك چیزی را توجه نداشتیم چطور بود که سیمان در کارخانه هشت تومان بود در بیرون ۲۵ تومان؟ شما چرا حداقل این وضع را

که پیدا کردیم این را طوری بدست مصرف کننده نرسانید که بقیمت جود بدست مصرف کننده برسد ولی حداقل بدست عده ای مصرف کننده برسد باقیمت ۸ تومان، این مهم نیست اما ممکن است يك اتفاقی پیش بیاید خدای نکرده ندانستگیهائی بشود و خدای نکرده يك جنسی در مملکت و در کشور کم بشود امروز که دنیای غرب با کمبود نفت میسوزد این بزرگترین خاطره زندگی تمام دنیای غرب در عمرش میباشد با این محرومیت و این کمبود و آثار مترتب بر محرومیت نفت شما تصور میفرمائید چکار میکنند؟ شما خیال میکنید بازار سیاه درست میکنند که بدست زید لتری ۲ تومان برسد بدست آن یکی ۵ تومان برسد؟ نه بدست همه يك قیمت میرسد این تفاوت قیمتها که در آن روزها نصیب عده ای شد که بهتر بود همکار ما جناب آقای شیخ بهائی اینجاست شریف میداشتند چون یک مقدار اطلاعاتشان بیشتر است و بما توضیح میدادند راستی ایشان نمیدانم از وکالت استعفا داده اند بهر حال بودجه مطرح است و يك مقداری از مسائل ما باطابق اصناف ممکن است ارتباط داشته باشد من نمیدانم مثل اینکه دو سه ماهی هست که ایشان را ندیده ام آیا در این فاصله کم چه کسانی بنوائی رسیدند آخر این را قبول دارید که سیمان بازار سیاه داشت این از کدام کانال رفت ۸ تومان رفت و شد ۲۵ تومان (یک نفر از نمایندگان - ۳۵ - تومان) من نمیدانم من همیشه با قید احتیاط حرف میزنم آموزش و پرورش را هر مقدار رویش تکیه بکنید راجع به مبانی فکری و غرور ملی هر مقدار رویش تکیه بکنیم ضرری نمی بینیم ضامن اجرای سالم تر انقلاب سفید تنها مادیات نیست ترقیات مادی و امور مادی نیست این انقلاب وقتی سالم بمقصد میرسد وقتی ما باستانه تمدن بزرگ آن وعده امیدبخش و دید وسیع و انسانی شاهنشاه خواهیم رسید که بر مبنای مذهب و غرور ملی آموزش و پرورش مان را بنیادگذاریم غیر از این هر کاری بکنید همه ما روزی با ناکامی و ورشکستگی مواجه خواهیم شد شما ببینید توجه بفرمائید در دهه انقلاب چه مقدار بر تعداد نشر کتابهای مملکت افزوده اند اصلا چه مقدار کتاب چاپ کرده اند این يك چیز عادی نیست این مسئله

مهم است ببینید دیگران در باره ابوریحان بیرونی شما تحقیق میکنند دیگران وقتی که اینجا میآیند در کنفرانس ابوریحان بیرونی صحبت میکنند معلوم میشود که تحقیقات چندین ساله دارند اما ما فقط میآئیم يك نطق تشریفاتی و رهگذری میکنیم این صحیح است؟ شما ببینید در ادعای مملکت ما چیست چند روز پیش یکی از جوانان گفت شما از دولت بخواهید و من تصور میکنم فرزندان شما از شما میخواهند این راویکی از دردهای پدر و مادرها همین است که عرض میکنم بمن میگفت ما وقتی میخواهیم برویم سینما اکثر سینماها نوشته اند از ۱۸ سال پائین نیائید خوب آقا يك سینمایی درست کنید برای ۱۳ تا ۱۸ ساله مختص باشد ما که بسینماهای کودکان که نمیرویم این سینماها هم که برای ما قدغن است و بآن حد و اندازه از فصاحت و رسوائی رسیده که انسان اگر همراه خانواده اش بخواهد فیلمی نگاه کند واقعا خجالت میکشد شما این عکسهائی را که در رهگذر و در آنگهی های تبلیغاتی می بینید تصور میکنید خیلی ساده است بخداوندی خدا طبق برنامه باین مملکت میآید و اجرامشود در ساعتی که کارگر آزاد است سینماها باز است در ساعتی که محصل درس درس است سینما آزاد است آقا در دوره انقلاب تصمیمات انقلابی بگیریید شما بچه مجوزی اجازه میدهید سینماها در ساعات کار آزاد باشد کارگر از سرکارش راهی سینما میشود و از آن رده صحنه هائی را می بیند و بآن نتایجی میرسد که دیگران میخواهند این يك حقیقت است شما بردارید ببینید ما بچه قیمت زیر بار برنامه این سینماها میرویم قیمتشان را هم بمیل خودشان با موافقت بعضی از مقامات بالا بردند سه تومان شد؟ تومان شما از دین اطاعت میکنید شما از دین غافلید؟ (اخلاقی - چه کسی غافل است؟) شما نه کلا عرض کردم شخص جنابعالی را عرض نکردم جنابعالی شخص حتماً متدین هستید دین خیلی مسئله مهمی است امریکا دو شخصیت عالیجناب دو محقق بزرگ را فرستاده که بروند و مطالعه کنند ببینند در تاریخ سال دو هزار دنیا با چه سرنوشتی مواجه خواهد شد آنها رفتند و مطالعه کردند هر کدام برداشتشان را ادامه دادند ۶ میلیون دلار هزینه در اختیار آنها گذاشته شد آنها ضمن تحقیقاتشان جناب

رهنما يك نکته ای رسیدند چون جنابعالی اهل کتاب و کتابخوان هستید و خود بمبانی دینی معتقدید عرض میکنم وقتی آمدید هدیه اولتان قرآن مجید بود سخنان پیغمبر اسلام بود، سخنان حضرت علی بود بلی حق این است قسمتی از بودجه باید در اینگونه مسائل بخرج برود ما این کارها را در کنار دولت خدمتگذار حزبی شما می بینیم در گزارش که ایشان داده اند اشاراتی هست عمیق و قابل تأمل و تکان دهنده یکی از محققین مینویسد من در ژاپن يك نتیجه ای رسیدم و آن اینست که دیانت از نظر اقتصاد باز تاب دارد بازده دارد وقتیکه در يك مذهبی توصیه بتعمیزی میشود این برداشت اقتصادی دارد وقتیکه انسان از نظر مذهب که خوشبختانه جامعترین آنها دین مبین اسلام است وجدان کار داشت، تقوی داشت، نظم داشت، تمهید اخلاقی داشت اینها همه بازده اقتصادی دارد آقا از نظر اقتصادی و دید ما دیگری نگاه کنید دین را ول نکنید دین را مبنای تمام کارهایتان قرار دهید (صحیح است) این فقط کافی نیست که در رادیو بگوئیم فلان حجة الاسلام در فلان مسجد صحبت میکند این کافی نیست ببینید ما کور شده ایم از دین من حداقل خودم را میگویم دور شده ایم از دین و غرور ملی همه چهار دستی به مادیات و دید اقتصادى چشم دوخته ایم این صحیح نیست سعی میکنم عرایض را خلاصه کنم راجع بگمرک يك یادداشت کوچکی اینجا دارم يك شخص موثقی بمن میگفت سه شیشه دوا از کشوری خواسته بودم فوری هم بود یکروز از گمرک تلفن زدند که آقا دواهایتان در گمرک مانده دواها در ۹/۱۲ رسیده بود در ۹/۲۸ بطرف ابلاغ شده یعنی ۱۶ روز بعد صرف نظر از اینکه احتمال فاسد شدن دوا هست احتمال این هم هست که وقتی دوا باو برسد که مارگزیده مرده باشد نکته این است که وقتی رفته دوا را بگیریم دیدم از سه شیشه دو شیشه اش شکسته و يك شیشه بیشتر نمانده هر چه توضیح دادم گفتن شما يك شیشه تحویل من میدهید يك شیشه پولش را میگیرید گفتند نخیر شما سه شیشه سفارش داده آید باید حق گمرک ۳ شیشه را بدهید درست است که دو شیشه شکسته و يك شیشه بدست شما رسیده اما شما باید حق گمرک ۳ شیشه را بدهید دیدم از این اطاق

بآن اطاق بروم و عریضه نگارشوم این دوام باید روی دستم بماند پول دادم و رفتم ببینید همین مسائل پیش پا افتاده چقدر سنگینی میکند بر دل‌های این جامعه آخر چرا سوز مملکتی نداریم چرا علاقه با اجتماع و هموعان خود نداریم اینها باید توصیه بشود که توجه بیشتر بشود در مورد اطاق اصناف حرف خیلی زیاد هست میگویند که اطاق اصناف درست کردیم برای تعدیل قیمت اولاً از روزی تعدیل قیمت بصورت جدی تلقی شد که شاهنشاه با لحن خشن اوامر مؤکدی صادر فرمودند و از فراهمه دست و پایشان را جمع کردند چرا؟ برای اینکه ترسیدند اگر افراد دیگری بیایند و دست بکار بشوند و این کار را بهمه بگیرند دست خیلی‌ها و یا خیلی چیزها رومی شود و احتمالاً خیلی چیزها بر ملا خواهد شد تازه وقتی که شروع شد گاهی صحنه‌های مضحکی دیده میشود در روزنامه اطلاعات نوشته شده بود از طرف اطاق اصناف که ما مبارزه میکنیم با ارزان فروشی دلیل آورده بود برای اینکه این اصناف بعضیها ارزان میفروشند چون میخواهند کلاه سرمشتری بگذارند و جنس دیگر را گران بفروشند این را درست ملاحظه فرمائید میگویند من اجازه نمیدهم کاغذ را ارزان فروشی بدلیل اینکه در مواد کلاه سرمشتری میگذاری میگویند نرخ را هیئت عالی نظارت میدهد ما مداخله‌ای نداریم چطور مداخله نداری؟ در صورتیکه رئیس اطاق اصناف یکی از افراد هیئت عالی نظارت است معاون ایشان ۵ نفر از اعضای اطاق اصناف عضو هیئت عالی نظارتند بعلاوه شما اصنافید شما آقای اولیاء عزیز اصنافید واقعاً هم سالها است که جزو اصنافید هیچوقت هم بنده ناراحت نمیشوم همانطوریکه شما ناراحت نمیشوید مثلاً وقتی بشنوید من چاپخانه‌ای میخرم بامن بشنوم شما هم کارا رجمند کاسب حبیب‌الله ۶۰ میلیون تومان کارخانه ممتاز خریده اید هیچ بمر بوط نیست بنده حق رسیدگی باین کارا ندارم شما تاجرید شما بنکدارید بکروز بنکدارید در سطح پائین بودید کسب برکت دارد کاسب عزیز خدا است حالا ما کاری نداریم که این کارخانه ۶۰ میلیونی را بانک ملی باچه شرایطی داده است حتماً مقررات مراعات شده و باز کار نداریم و تیکه خریده شده بلافاصله چیت ۲۷ ریالی شد سی و چند ریال

حتماً مواد اولیه را مطابق احصائیه‌ای که دارید بالا رفته کار نداریم که چرا دولت این کارخانه را فروخت و خودش عهده‌دار رسیدگی نشد و این جنسی که مور نیاز طبقه پائین است بدست عده معدودی بصورت کار تجارتي درآمده است اما توجه فرمائید که این اطاق اصناف از لحظه‌ای که آمده جز آشفتنگی کاری نکرده و بخصوص مردم حرفه‌ای دارند که واقفاً آدم خجالت میکشد وقتی باین حرفها برخورد میکند چند روز پیش جائی میخواستم بروم دیر شده بود تا کسی هم نبود یکی از این بارکشا آمد دست بلند کردم طبق معمول که مسافر سوار میکنند و باید هم سوار کنند چون مسافر نمیتواند منتظر بماند که تا کسی لوکس بیاید باراننده در راه با هم صحبت میکردیم ضمن صحبت از این و رو آن و روشد گفتیم برو فلان جا گفت آنجا نمیتوانم بروم چون به بارکشا در بعضی از خیابانها اجازه عبور نمیدهند گفتیم چطور؟ گفت انشاءالله بخواست خداوند بزودی این مشکل هم حل میشود گفت الحمدلله یعنی اجازه میدهند؟ گفت نه سندیک، اطاق اصناف، اتحادیه را بندگان تا کسی بازار ما ۵۵۰ تومان پول خواسته و قول داده اگر همین روزها تعدادمان به ۵۰۰ یا هزار نفر برسد بادم نیست چه مقدار این مشکل را حل کند خدا کند عنوان این مطلب از طرف بنده در اینجا اشکالی در کار آنها بوجود نیورده! توضیح بیشتر خواستم گفت ۲۵۰ تومان حق عضویت اطاق اصناف میگیرید ببینید خیلی هم دکان ساکت و بدون مشتری نیست سیصد تومان دیگر را هم نمیدانم يك سهم یا سه سهم بآنها میدهند آنوقت که میگفت باید ۵۵۰ تومان باید بدهم چه دردی را تحمل میکرد خود او فقط میتواند درك كند من و نه شما و این است برگ اطلاعیه و آگهی که بآنها داده‌اند چه فشاری بر قلبش وارد میشد قابل توجه نیست ۵۵۰ تومان عزیز من برای شما و من شاید مبلغ زیادی نباشد ۵۵۰ تومان برای کسی که روزانه ۱۵، ۱۶ ساعت کار میکند تا ۱۵، ۱۶ تومان گیر بیاورد شما بعضاً که جدول حل میکنید و بیکار هستید حساب کنید و حل نمائید در کدام نقطه تهران دوتا اطاقک اگر بخواهد اجازه کند چقدر حداقل باید بدهد و چقدرش را صرف بقیه مخارجش باید بکند حالا ما نمی‌گوئیم

اصولاً چند تا بچه هم دارد باند دارد چون باین برنامه تنظیم خانواده و کنترل موالید و زندگی بهتر اصلاً فکر می‌کنیم بچه ندارد فقط خودش هست و زنش موقعیکه در جلو آئینه سلیمانها منتظر نشسته‌اید روی کاغذ بیاورید با ۴۸۰ تومان چقدر اجاره مسکن چقدر قند چقدر شکر و چقدر خرج دوا درمان بکنید این نرخ گذاری اطاق اصناف هم آدم را بیاد نرخهای لاله زار نو قبل از اسفند ماه هر سال می‌اندازد پارچه‌شان فرضاً ۵۵ متری ۵۵ تومان بوده در اسفند ماه حراج میکنند و می‌نویسند نرخ قبلی ۹۰ تومان! بعد يك خط قرمز روی آن میکشند زبرش می‌نویسند ۸۰ تومان! این نرخ گذارها بر مبنای يك دید واقعی نیست بی حساب و کتاب است اشاره‌ای به تبریز کنم، بعضی از شهرها در حال ساختن هستند و این شهرستانها و مراکز استانها غیر از تهران میباشد که يك خرده بخود شکل گرفته است حالا تبریز در وضعی است که تقریباً تمام منطقه تمام شهر جزو مناطق مخروبه است یعنی کویدنی است لااقل يك نقشه جامع شهر برای تبریز و برای سایر استانها تهیه شود برای شیراز و اصفهان تا محدودی در نظر گرفته شده ولی برای شهر تبریز و امثال تبریز هم تهیه بشود اینها باین بودجه‌های یکشاهی صناروزارت کشور بآن عوارض قند و شکر و عواید مختصر شهرداری نمیتوانند باین برداشت وسیع طرح جامع تحقق بخشند شما باید برداشت انقلابیتان را در سطح استانها اجرا کنید سرمایه گذاری‌هایی که میرید در خارج میکنید برای جلوگیری از تورم بیایید در سطح استانها مقداری از این بودجه‌ها را بریزید و این طرح‌ها باین راه پیاده کنید تبریز يك کارخانه اسفالت سازی دارد اما برای بکار انداختن این کارخانه پول ندارد ماشینهای مورد نیازش را بخرد باو کمک کنید نگوئید که خودت کبیر شده‌ای دوره صغیریت تمام شده خودت باید آنرا تکمیل کنی و بگوئی صدی چند خودش باید بدهد بقیه اش را ما میدهم، از کجا بدهد؟ ندارد، نه تبریز، اکثر شهرستانها ندارند ملکات ما خیابانی دارد ۲۵۰ متر اسفالتش مانده بودجه ندارد ادامه دهند خدا عمر دهد وزیر کشور را که هر وقت مراجعه کردیم مبلغی دادند ولی باتکدی این برنامه‌ها پیاده نمی‌شود و عملی هم نیست

ما گاهی یادمان می‌رود که یکی از تکیه گاههای محکم انقلاب کارگران هستند جناب آقای حیدر صائبی و سایر دوستان کارگران در این گونه مسائل هم صاحب نظرند و هم در حوزه‌ها و هم در حزب و هم کمیسیون‌ها تاجائی که مقدر است خذارا شاهد میگیرم که میدانم صمیمانه هم مسلکانشان را روشن می‌کنند اما قدم اساسی کمتر برداشته میشود بيمه‌های اجتماعی یکی از سازمانهای است که طبقه کارگر به آنجا مراجعات بیشتری دارند این بيمه‌های اجتماعی يك سازمان خاص است جناب رضوی تشریف ندارند ناظر مجلس شورای ملی در بيمه‌های اجتماعی اگر در عرض ده سال انقلاب گزارشی جامع بمجلس نداده باشند بتحقیق بحزبشان داده‌اند (دکتر الموتی - بمجلس هم داده‌اند) علی التحقیق بمجلس هم داده‌اند بيمه‌های اجتماعی يك سازمان استثنائی است که تشکیل آن و تعیین مدیر عاملش و تعیین رئیس هیئت مدیره اش حتی در بودجه نویسی اش يك مقررات خاص و استثنائی دارد یعنی این سازمان غیر از سازمانهای دیگر است در اینجا قید است که بودجه این سازمان بر مبنای حمایتها دارو و باز نشستی و مستمیری و کمک باطفال و چه چه چطور تقسیم بندی شود چقدر از پولش را ببانك رفاه کارگران بدهد چقدر باید در بیمارستان و دوا و اینجور چیزها بکار برد و حتی برای انتخاب هیئت مدیره و مدیر عاملش يك شرایط قانونی قائل شده‌اند یعنی شما نمیتوانید برای بيمه‌های اجتماعی بفرض دلتان هم خیلی بخواهد آقای اهری معاون وزارت آب و برق را بگذارید ایشان را در رأس هر شرکتی میتوانید بگذارید در رأس شرکت فرش در رأس سازمان های دیگر بجز سازمان بيمه‌های اجتماعی حالا چرا چون قانون میگويد که مدیر عامل بيمه‌های اجتماعی باید تبحرو معرفیت وافی و کافی در امر بيمه‌های اجتماعی داشته باشد ببینید قانون صراحت دارد، تبحر کافی و خوشنامی و نیکنامی وافی از بيمه‌های اجتماعی داشته باشد الا این شخص نمیتواند مدیر عامل بيمه‌های اجتماعی باشد پایه از اول اگر کج نهاده شد ممکن نیست نتایج صحیح گرفته شود از مقدمه غلط نتیجه صحیح گرفته نمیشود قانونگذار تعدد داشته

ماده ۱۲ میگوید رئیس هیئت مدیره که در عین حال مدیر عامل سازمان و سمت معاونت وزارت کار و امور اجتماعی را خواهد داشت از بین افرادی که دارای بصیرت و سابقه ممتاز در امور بیمه‌های اجتماعی و حسن شهرت کامل داشته باشد بنا به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب هیئت دولت بموجب فرمان همایونی منصوب و باین سمت گمارده میشود.

**قدردان** - سازمان بیمه‌های اجتماعی موجود هست و مدیر عاملش دارای همه آن صفات هست.

**زهتاب فرد** - جناب قدردان ببینید از ریز بینی شما و اینکه فوراً بذهنتان رسید بیوگرافی مدیر عامل بیمه‌های اجتماعی را بگوئید تشکر میکنم اما از شما سؤال میکنم در ده سال اخیر آنهاییکه مصدر این پست بودند همه‌شان این سوابق ممتاز و شهرت و نیکنامی و اطلاعات کافی را داشتند؟

**قدردان** - این تشکیلات جوانی است و بساعت افتخار همه کارگران است و تمام امور درمانی و بهداشتی کارگران سراسر کشور را تأمین میکند.

**زهتاب فرد** - من منکر عظمت و شاخصیت و اثر وجودی بیمه‌های اجتماعی نیستم و نیازهای طبقه کارگر باین سازمان یعنی باززش و مقام و اثر وجودی این سازمان با شما و طبقه زحمتکش کارگر صحبت میکنم که بتحقیق یکی از سازمان‌های انقلابی و انسانی و تسلی بخش آلام طبقه کارگران است در اینجا اسم کسی را نمی‌برم در گذشته نزدیک داریم کسانی که ۱۶ سال البته در سال ۱۳۴۷ قانون بیمه‌های اجتماعی تان تجدید نظر شده یعنی ۵ سال از آن تاریخ میگذرد در این ۵ سال اخیر در دوره دهه انقلاب یادتان میآید چهره‌هائی را که ۱۶ سال از ایران دور بودند برای اینکه بکارها و گرفتاری‌های شخصی‌شان برسند و دیداری از فامیل و خانواده بکنند تهران آمدند و چون نمیتوانستند بدون تیر حتی ۵ روز زندگی کنند برای آن سمت مدیر عاملی دادید و بعد از ۸، ۷ ماه تفریق و حل مشکلات زندگی و تجدید دیدار با خانواده‌شان دوباره گذاشتند و رفتند خاطر تان هست همین آقای که خوشبختانه الآن در پست واقعی خودش قرار گرفته جناب مهندس کورس آموزگار اگر اشتباه نکنم مهندس پل‌های معلق

است و الآن در موقعیت ذیصلاح خودشان قرار گرفته‌اند جناب ایشان آیا عنوان مدیر عاملی‌شان مطابقت میکند با آن قانون و ماده و یا اینکه بصیرت و سوابق ممتاز در آنجا داشته باشد پس قانونگذار دقیق است که این سازمان بر مبنای یک دید و یک مطالعه و یک برداشت حساب شده‌ای گذاشته شود تا نتایج مترتب بر نریات عالی شاهنشاه که رسیدگی بالآدم و دردها و گرفتاریهای کارگران است تحقق بخشد در همین سازمان بیمه‌های اجتماعی خیلی خیلی مسائل است شما ببینید موضوع بیمارستانها موضوع کمبود دکتر موضوع واگذاری بیمارائی بخشهای خصوصی همین سازمان و جمعیت شیر و خورشید سرخ که جمعلگی بر آن هستند که این سازمان یک سازمان خدمتگزار و صدیق و فعالی است مکرر تا جائیکه من اطلاع دارم پیشنهاداتی داده که اکثر بیمه شدگان در حوادث و اتفاقات ناگوار از طرف ماحمایت

و معالجه میشوند شما ببینید مریض‌های تان را بما بدهید ولی گوش باین تقاضا و تقاضای بنگاه حمایت مادران و نوزادان ندادند یک هزار و دوست میلیون بودجه این سازمان است شما اگر در شهرستانها بعنوان مثل در آذربایجان یک مقاطعه کاریست این مقاطعه کار یک عده کارگر فصلی دارد باید حق بیمه بدهد اگر اختلافی پیدا شد مابین تعداد کارگر این بیمه‌گران با بیمه‌های اجتماعی کجا مراجعه میشود باید حتماً پرونده مراجعه شود تهران (قدردان - قانون بیمه‌های اجتماعی جداست و امر درمانی مطلبی دیگر است) بر میگرددیم به وزارت کار و مشکلات بیمه‌های اجتماعی مقاطعه کار باید پولش را بگیرد چند میلیون پولش مانده بخاطر اینکه این مفاصا حساب را بگیرد این امتیاز را، لااقل بدهید بمرکز استان و اطمینان داشته باشید بعوامل خودتان و مأمورین استانی و اجازه بدهید که این نوع کارها سبب رکود کارها و زمینه بعضی از نقل و انتقالات و فسادها نشود در سطح مملکت نشود بعلاوه از تبریز که رئیس آن هم مسلک شما آقای عماد مرد با شرفی است کاغذی نوشته به بیمه‌های اجتماعی و میگوید که اینجا کارگاههائی هست مثل پیراهن دوزی اصناف خرده باخیاطی و سنگگی و غیره که باینان فشار می‌آورند و ما را موظف میکنند که صدی هیجده از اینها

دریافت کنیم این مبلغ از اینها وصول نمیشود ماده‌ای داریم که مقداری با اینها اجازه میدهد کمک کنیم اینها کارگران موسمی و فصلی هستند یک کارگر در زمستان می‌آید در حمام کار می‌کند تا بستان کشاورزی می‌کند در یک کارگاه قالی بافی دو سه نفر اطرافیان خود را بکار میگیرد (قدردان - آن کارگر حمامی نباید از بهداشت استفاده کند) من و شما هم می‌خواهیم از بهداشت استفاده کنیم قانون هم باین مورد نظر داشته و میگوید در موارد استثنائی یک کمک‌ها و گذشت هائی باین طبقه میشود کرد اما تا بحال باینها جواب داده نشده (دکتر دادفر - آقای زهتاب این مطالب که میفرمائید مفصلاً در کمیسیون بودجه بحث شد مطالعات عمیقی در جریان است نتیجه عنقریب داده میشود) پس ملاحظه فرمودید با توضیحاتی که در شناس مملکت ما در شناس حزبان جناب دادفر دادند معلوم شد که این حرفهائی که من عرض میکنم حرفه‌های پادروا نیست درد جامعه تان است و بهمین دلیل فرمودند در کمیسیون بررسی شده و نتیجه را عنقریب میگوئیم بعضی‌ها واقعاً زرنگ‌اند بعضی چطور تا دیروز هیچ چیز نداشتند. امروز اینهمه سرمایه و پول بهم میزنند سازمان بیمه‌های اجتماعی یک مهندسین مشاور که وسیله عوامل و نزدیکان خودشان تشکیل میدهند مینویسد که برای پیشبرد در کارهای اجتماعی به ما نظر مشورتی بدهید مهندسین مشاور از جمله مطالعات دقیق و علمی و عمیق نظر مشورتی داده توصیه کرد که مثلاً هلیکوپتر بخرید برای اینکه بیماران فوری را به بیمارستان برسانند دوم اینکه توصیه کرده برای پیش برد کارها از مقامات انتظامی کمک بگیرند برای اینکه دست دکترها باز باشد که وقتی بیمار زیاد شد و مراجعه کردند از نیروهای انتظامی کمک بگیرند نمیدانم به این سازمان چند صد هزار تومان دادند که این چند نسخه را تهیه کنند بنام مشاوره در پیش برد انقلاب در این سازمان راجع به کارمندان دولت هر چه حرف زیاد بزنیم باز جا دارد اما من به ملاحظاتی که به همکاران دیگر فرصت برسد از آن صرف نظر میکنم اما این یک مورد را نمیدانم هر وقت این شخص که مرا می‌شناسد و امثال این شخص در مملکت زیاد هستند که

خون دل میخورند و در دشان راحتی بمانند و بنده را تجربه دارند و میدانند نتیجه نخواهد داشت يك آقایی است این شخص تا چندماه پیش کارمند سازمان بیمه دولت بود شما را بخدا يك لحظه تأمل کنید ببینید این مرد بعد از يك عمر خدمتگزاری وقتی این حکم بدستش می‌آید چه حالی پیدا می‌کند من نمیدانم وقتی که شما وکیل نمیشوید یا آنهایی که وکیل نشدند بعضی‌ها ایشان بچه‌های بی‌تافتند در حالیکه همه چیز دارند و بر میگردند به کار سابق و پست سابقشان در حالیکه در این چهار سال آنقدر با وزارتخانه مربوطه لاس زده‌اند پیچ و مهره‌هایشان را سفت کردند که احتمال هست که وقتی بر میگردند مقام بهتری را نیز بگیرند چه حالی پیدا می‌کنند به بیند این مرد چه حالی پیدا میکند این آدمی است ۶۰ و چند سال دارد و سی و چند سال خدمت کرده يك مردی است ادیب شاعر، ایران دوست عاشق هنر و ایران و شعر او را که می‌خوانید باور کنید گریه میکنید این آدم بعد از ۳۲ سال خدمت در ۴۹/۶/۲۵ باو این حکم را داده‌اند و باستناد ماده (۱۲) آئین نامه استخدامی حقوق شما از اول تیر ماه ۱۳۴۹ از ماهی ۱۵۳۳۰/۰ ریال به ۱۶۲۵۰/۰ ریال ترمیم و ترقی داده میشود. و از تاریخ پیشگفت برابر مقررات قابل پرداخت خواهد بود.

از طرف رئیس سازمان. دکتر چوبینه

۱۶۲۵ تومان بعد از سی و دو سال خدمت دریافت

میکرد و دعاگوی دولت خدمتگزار حزبی بوده این يك چهار صد تومان هم که بموجب این حکم نوشته‌اند.

آقای عبدالرزاق شعار

پیرو حکم شماره ۶۱۶۹ مورخ ۵۰/۴/۳۱

از تاریخ ۵۰/۱۰/۱ فوق العاده کار مقطوع

ماهانه از مبلغ ۲۰۰۰ ریال بمبلغ ۴۰۰۰ ریال ترمیم

میگردد که در قبال انجام کار اضافی در خارج از ساعات

کار اداری قابل پرداخت است.

این شد دوهزار و خورده‌ای تومان يك آدم بعد از

سی و دو سال خدمت ۲ هزار و خورده‌ای تومان پول میگیرد زندگی

شرافتمندانه خود را اداره میکند در ۵/۳/۵۲ این حکم

را بدستش میدهند.

آقای عبدالرزاق شعار

اکنون که طبق ابلاغ شماره ۴۲۲۵۸۴-۵۱/۷/۹ از تاریخ ۵۱/۷/۱۶ بافتخار باز نشستی نائل آمده‌اید لازم میدانم از خدمات گذشته شما که توأم با روح صداقت و صمیمیت بوده است قدردانی نماید. باداره امور مالی سازمان نیز دستور داده شد که معادل یکماه حقوق و مزایا بعنوان پاداش حسن خدمت شما پرداخت گردد. دکتر آرام

حالا شما حساب کنید بعد از سی دو سال خدمت حالا که ساعت استراحت اوست با این حکم چه حالی این مرد ۶۰ و چند ساله پیدا میکند بعد این نامه را بدست او میدهند.

بانک ملی ایران شعبه کورش

موضوع پرداخت حقوق

خواهشمند است دستور فرمائید مبلغ سه هزار و دوست و هشتاد و پنج ریال (-/۳۲۸۵ ریال) حقوق اردیبهشت ماه ۱۳۵۲ آقای عبدالرزاق شعار را که بحساب بستانکاران موقت منظور گردیده بنامبرده پرداخت نمایند.

از طرف مدیر کل امور مالی وزارت بهداری سنگینی ضربه را احساس فرمودید عرض دیگری ندارم همه مطالب را بگذارید بماند.

سجادی - مسأله ۳۰۰ تومان چه بود؟

زهتاب فرد - پس برمیگردم بصحبت از این تاریخ بقیه جمع وصولی این خانواده و این شخص و این مرد که ماهی ۲ هزار و خورده‌ای تومان می‌گرفته سید و خورده‌ای تومان میشود که بعرض رساندم من هم حیرت کردم اما اسنادش اینجاست این را تقدیم میکنم بخود جنابعالی که بدست شما داده بشود بدست یکی از وزراء (چهار فقره نامه را به آقای رهنما وزیر اطلاعات تسلیم کردند) سجادی - اگر رتبه ۹ باشد حقوقش را می‌گیرد.

زهتاب فرد - من رتبه ۸-۹ نمیدانم يك شخص روزمزد، پیمانی یا بهرنحوی از انحاء در این مملکت اگر شما به او ماهی ۲ هزار و خورده‌ای تومان دادید

انصاف اجازه نمیدهد که بعد باو ۳۰۰ تومان بدهید این سند هارا بشما میدهم.

سجادی - مسلماً اشتباه شده.

زهتاب فرد - خدا کند انشاء الله ماشین نویس اشتباه کرده است عرض دیگری ندارم.

رئیس - آقای دکتر شمس بفرمائید.

دکتر شمس - بحث در لایحه بودجه و انتقاد از بودجه و مذاقه در لایحه بودجه به چه شکلی انجام گرفت و بچه شکلی پایان پذیرفت از طرف ناطق قبل از من خیال می‌کنم در این جا نکته‌ای دوسه بار اشاره شد امروز که دفاع از بودجه کاری است بسیار ساده چون مقداری از مسائل را میشود از کتاب‌ها سرهم کرد و انتقاد از بودجه هم کاری است بسیار آسان بنده از خود ایشان سؤال میکنم که روزنامه نگار هستند و نویسنده که برای تهیه يك مقاله با توجه باینکه تمام مسائل در دست است بفرمائید بدهند دست يك دانش آموز کلاس نهم که این مقاله را ایفاد بفرمایند در چند لحظه زحمت چند ساعته ایشان را با قلم فرمز ازین خواهد برد بنده آنچه از فرمایشات همکار عزیزم از گروه پارلمانی مردم استنباط کردم مقداری شرح وقایع، مقداری درد دل‌های خصوصی و اگر بخواهم کمی پارا فراتر بگذارم باید بگویم در حدود خرده گیری بود و اشاره به کارهای کوچک و فردی در يك برنامه عظیم مملکتی خوب گوش کنید بنده فرمایشات ایشان را بدو پرونده تقسیم کردم آنچه مربوط به خرده گیری از دولت است می‌سپارم به نمایندگان محترم دولت تردید ندارم که باتبحر و تخصصی که وجود دارد با توجه به طبیعت سبک خرده گیری‌ها بموقع جواب داده خواهد شد. ولی پرونده دوم مربوط است بمسائلی که راجع به حزب فرمودند که در حقیقت بمن خیلی گران آمد با اینکه تذکر فرمودند که در روزنامه ارگان حزب مردم امروز صبح مصاحبه شاهنشاه را که اختصاصاً بلخبر نگار و جناب دبیر کل و سردبیر روزنامه مطالعه فرمودند بنده توصیه می‌کنم که یکبار دیگر این مصاحبه را مطالعه بفرمایند و ملاحظه بکنند که شاهنشاه در این مصاحبه باصل تحزب که ایسای دموکراسی را برای ایران و آینده بر مبنای پیشرفت تحزب یعنی جذب

افراد و قشرهای مملکت باحزاب و تشکل حزبی قرار دادند و جمله‌ای امروز شنیدم که یکی از همکاران عزیز از اکثریت فرمودند مجنوب حزبی بعد هم گله می‌کنند که چرا مردم بیای صندوقها نمیروند این مسأله حزب ایران نوین و حزب مردم نیست این ما هستیم که برای شهوت کلام و ارضاء شهوت کلام از طریقی وسایل ارتباط جمعی که این مطالب را با اطلاع مردم در سراسر مملکت میرساند قدمهائی بر میداریم که عمداً یا سهواً برخلاف روشها و سیاست هائی است که کشور ما در حال حاضر آنها را تعقیب می‌کند بنده چون میل ندارم واقعاً این مدت مختصری که در اختیارم گذاشته شده و تذکری که آقای رئیس در مورد ضیق وقت فرمودند (یکی از نمایندگان - بفرمائید هر چه میخواهید) این بحث را تبدیل به پاسخگوئی فرد بفرستم ولی تذکر چند نکته را ضروری میدانم و آن اینست که اگر قصد و غرض همکاران عزیز در حزب اقلیت انتقاد از برنامه‌های دولت است اگر قصد و غرض این است که در اصلاح برنامه‌ها بر اساس ارائه طریق‌ها اقدام کنید آنچه از دیروز تا امروز من شنیدم واقعاً در این جهت نبود برای اینکه بشود بطور سازنده از يك برنامه بسیار علمی و فنی آنچنانکه در لایحه بودجه سال ۱۳۵۳ تقدیم شده است اظهار نظر قطعی کرد اول باید در داخل حزب دارای برنامه‌های منطقی و علمی بشود و بعد آنها را سنجید و در اینجا کمبودها و راه حل‌های بهتری را گفت. بنده آنچه در این مدت عمر سیاسی از حزب محترم مردم شنیده‌ام اختلافات، دردمرها، بحث از جدائی‌ها در داخل حزب و تشتت افکار بوده و امیدوارم اینطور نباشد و اگر واقعیت را در نظر گرفت دولتی با تجربه و آموزش دهساله بخواد از يك چنین تشکیلات سیاسی در جهت بهبود برنامه‌ها استفاده کند و امامت‌قابلا ما در حزبمان چه کردیم که مورد ایراد ناطق قبل از بنده قرار گرفتیم ما در عمر کوتاه حزبمان دهسال واقعاً تجربه صد ساله آموختم (صحیح است) در تماس هائی که باحزاب مختلف دنیا داریم و من افتخار دارم که این خدمت را انجام میدهم آنچه که ما در حزب ایران نوین انجام میدهم منطبق است با برنامه‌های احزاب بسیار قدیمی و معتبر کشورهای دنیا ما حتی آنچه بعنوان

مراننامه و آنچه بعنوان برنامه‌های چهار ساله حزب در هر کنگره می‌شنیم و تصمیم میگیریم منطبق است با نیازمندیهای جامعه باین جهت است که بخودمان اجازه میدهم که بگوئیم يك حزب پیشرفته هستیم و این متکی به تجربه‌های علمی و منطقی ماست هر وقت جناب زهتاب فرد فرصت فرمودند بحزب ما تشریف بیاورند بنده نامه‌هایی از دانشجویان ایرانی و ایرانیان مقیم خارج بایشان ارائه میدهم که بعد از ۲۰ سال دوری از وطن بدون اینکه هنوز بفکر مراجعت بایران باشند تمایل بعصویت در حزب ایران نوین نموده‌اند این نشانه پیشرفت و شناسائی است و نشانی از انطباق ئیدئولوژی ماست با آنچه جوانان ما در خارج دیده‌اند و آموخته‌اند بنابراین دریغ است که قبل از آنکه خود این تشکیلات سیاسی منظم و متشکل بشود بحزبی که در این راه، راه بسیار پیموده توصیه بکنند البته خود توصیه اشکال ندارد ولی بکار بستن توصیه‌ها حتماً بایستی مستند بمطالعاتی باشد. سخن را از لحاظ پاسخگوئی کوتاه می‌کنم و می‌پردازم بآن قسمتی که به بنده محول شده از طرف فراکسیون حزب و آن يك بررسی در زمینه‌های صنعتی است که در بودجه برنامه‌ای سال ۱۳۵۳ بساحت مقدس مجلس شورای ملی تقدیم شده است بنده در سخنرانی دیروز لیدر محترم اقلیت باین نکته برخورد کردم که گویا لایحه تقدیمی فاقد برنامه است بودجه نه تنها برنامه ندارد بلکه هدفها مشخص نیست مانند اینست شما مقداری پول داشته باشید که بودجه شماست اما آنها را بچه منظور بمصرف خواهید رسانید و چگونگی راه روشی است که بودجه برنامه‌ای شما ارائه خواهد کرد.

آرتور اسمیت استاد دانشگاه هاروارد که بدون شك دوستان سازمان برنامه ما و او را بخوبی میشناسند در کتاب بودجه برنامه‌ای خود در تأیید مطلبی که اشاره کردیم میگوید:

« طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه بندی، بروی هم نظامی را تشکیل میدهند که بوسیله آنها هدفها و منابع موجود بایکدیگر سنجیده میشوند و يك راهنمایی کلی جهت اخذ تصمیمات صحیح و اجراء در اختیار دولت قرار میدهند. او همچنین اضافه میکند که بودجه برنامه‌ای شامل استفاده از تکنیکها بودجه‌ای است که تعیین و اجراء



هدفها و سیاست های دولت را با توجه به هزینه های واقعی چه در زمان حال و چه در آینده سهیل میکند.

در واقع غرض آرتور اسمیتز از این بیان این است که يك دولت هم زمان با فعالیت های جاری خود هدف های وسیعی چون امور دفاعی، استقرار هر چه بیشتر نظم و قانون، بهداشت، آموزش و رفاه اجتماعی و بالاتر از همه توسعه اقتصادی را باید تعقیب نماید. اشاره باین نقل قول را بدان جهت ضروری دانستم که شاید بنظر بعضی ها اقداماتی که در جهت نظام برنامه ریزی کشور بعمل آمده و بودجه برنامه ای با طرز جدیدیکه بمجلس شورای ملی تقدیم شده است يك امر عادی تلقی نمایند. در حالیکه اقدام دولت در تنظیم بودجه برنامه ای آنهم بشکلی که در سال جاری عمل شده، نه تنها از صفات برجسته يك دولت متکی به ایدئولوژی و برنامه است، بلکه در کمتر کشوری، مگر آنها که در این راه تجربه های طولانی دارند، دیده شده است اشاره به نطق آقای رامبد که برنامه بودجه وجود ندارد.

چندی پیش گزارش جناب دبیر کل حزب مردم را به شورای عالی این حزب در روزنامه مطالعه می کردم و دیدم حزب مردم نسبت بدولت حزب ایران نوین، نظراتی ابراز کرده است که ممکن است بیش از پیش آنها را در مسائل دچار اشتباه کند، و استنباط من از آن گزارش این بود که گویا حزب مردم، حزب ایران نوین را بادست کم ارزیابی کرده اند من باید این نکته را بعرض ساحت مقدس مجلس شورای ملی و عموم مردم ایران برسانم که خوشبختانه در عرض ده سال حکومت دولت حزبی با استفاده از راهنمایی ها و رهبری های خردمندانه شاهنشاه تجاربی بس علمی و آموزنده بدست آمده است که شاید تجسم وضع آن برای دیگران مستلزم زمانی طولانی باشد. امروز روش های اعمال شده از طرف دولت حزبی مابا تکیه تجارت علمی با رعایت خصوصیات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران آنچنان حساب شده و منطقی است که سایر گروه ها قبل از هر چیز باید این روشها را از دیدگاه علمی مورد مطالعه و مذاقه قرار دهند، و از آن پندها و آموزش لازم را بگیرند. آنچه امروز در جامعه ما، در حال انجام است در مقیاس جهانی برای کشورهای مترقی روشهایی نو و برای کشورهای در حال توسعه الگویی نو آورده است

که الزام پیشرفت آنها را و ادار به توجه و مطالعه به آن مینماید.

بنابراین دریغ است که از این تجربه بسیار آموزنده احزاب دیگر در ایران غافل بمانند و با آنها را در قالب شیوه های تبلیغاتی دست کم بگیرند.

من ناگزیر از تذکر این مطلب هستم، گویا که بارها از طرف دولت و مسئولین سازمانهای اجرائی گفته شده که آنچه ما بودجه برنامه ای میخوانیم بر اساس وظائف دولت، در ارتباط با تحولات سریع و چشم گیری جامعه امروز و برنامه ها و فعالیت آن تنظیم شده است. عبارت دیگر موارد هزینه با امکانات مادی و وسائل مورد نیاز سازمان های دولتی مانند خدمات پرستاری، اثنای و ماشین آلات بخودی غایت وجودی این سازمانها برخلاف آنچه در ظاهر بنظر میرسد نیست بلکه این هزینه ها برای اجرای عملیات و تأمین هدفها و سیاست های سازمانهای مذکور در قالب کلی سیاست های دولت بکار میرود.

ولذا نکته اساسی در تنظیم بودجه ۱۳۵۳ توجه بوظائف و عملیاتی است که باید در راه اجرای سیاست های دولت بکار رود این در پاسخ آقای رامبد است که برنامه حزب را نادیده گرفته اند.

اغلب در جلسات کمیسیون بودجه و حتی در سایر گفت و شنودها شنیده میشد که بودجه فلان شرکت دولتی زیاد است. یا آنکه کمک بفلان سازمان موردی ندارد. این طرز تفکر بصورت انتزاعی و مجرد دور از منطقی برنامه نویسی است. آنچه میتواند دلیل کافی برای نحوه توزیع اعتبارات در سازمانهای دولتی باشد توجه به سیاست و خط مشی کلی دولت در رسیدن به هدفها و آرمانهای وسیع ملی است. در میان این سازمانها، بعضی ها که عهده دار خدمات عمومی هستند؛ شاید بیش از آنچه از لحاظ رقم ریالی بازده داشته باشند، در تأمین نیاز مندیهای آحاد مردم واقع گردند و در عوض باره ای دیگر که سرمایه گذاری در آنها، علاوه بر تأمین مواد مورد نیاز مردم، دارای بازده های چشم گیر نیز میباشد در این شکل از طرز تفکرات که روش علمی و منطقی دولت در تنظیم بودجه برنامه ای قابل توجه است. و الا اقتصاد از يك سازمان اجرائی معینی، بدون رعایت نقش و فعالیت آن سازمان

در چهارچوب سیاست های کلی دولت و وصول به هدفهای کلی، امری دور از واقع و بدون منطقی است. به همین جهت است که من توجه نمایندگان محترم بخصوص گروه پارلمانی مردم را در تقدیم لایحه بودجه ۱۳۵۳ باین نکته جلب میکنم که سازمان های دولتی و وابسته بدولت فعالیت های خود را در قالب بودجه تقدیمی آنچنان تنظیم نموده اند که بر آورد هزینه ها، بیشتر بر مبنای رفع نیازمندی های جامعه است تا با زدهای ریالی، خوشبختانه کشور ما در زمان حاضر، در سایه رهبریهای مدبرانه شاهنشاه از لحاظ تأمین منابع مادی از ثروت های ملی، مانند نفت و معادن و برخی صنایع، نه تنها برخلاف گذشته از گرفتن وام های سنگین از منابع خارجی بی نیاز شده است بلکه در وضعیتی قرار گرفته است که در برنامه تقدیمی دولت برخی کشورها کمک و مساعدت مینماید. و بنابراین دلیلی ندارد در حالیکه مردم بدریافت خدمات عمومی و رفاهی نیاز فراوان دارند صرفاً بخاطر آنکه دستگاهی دخل و خرج نمیکند از فعالیت آنها جلوگیری شود با این فعالیتها را محدود نماید.

بنابراین بطوری که با مستحضراتان رسید خصوصیت بارز بودجه برنامه ای سال ۱۳۵۳ در واقع حجم فعالیتها و برد هر چه بیشتر کار آئی دستگاههای اجرائی دولت است تا در سال بودجه ای آینده بتوانند به هدفهای کلی خود نائل آیند. در اینجا شاید طبقه بندی سیاستهای دولت در تنظیم بودجه برنامه ای سال آینده تصویر روشن تری به نمایندگان محترم ارائه نماید. این طبقه بندی علاوه بر آنکه دلائل توجیهی کافی در بودجه سال آینده را ارائه میکند محاسن زیر را نیز در بر دارد:

۱- امکان نظارت مستقیم در اجرای عملیات و هم آهنگ کردن فعالیت های سازمانهای دولتی باز ناگزیریم توجه شما را بفعالیت های سازمانهای دولتی در قالب کلی برنامه ها جلب کنم.

۲- سهیل در تجدید نظر و بهبود بودجه در مراحل اجرائی و قانون گذاری، با توجه بآنکه کشور ما در تعیین سیاست نفت بعنوان مالک و تولید کننده نقش حساسی در شرائط کنونی ایفاء میکند، و هر لحظه با تحولات

۱- اولویت امور دفاعی برای هرایرانی بر اساس سنتها و تعالیم شاهنشاه استقرار صلح پایدار بنحویکه حاکمیت تمام ملتها و سرزمینها محفوظ باشد و احترام متقابل و عدم مداخله در امور یکدیگر اساس روابط بین المللی را تشکیل دهد یک آرمان دیرینه بوده و همیشه در این راه سعی وافیه مبنول داشته و شاید کشور مایکی از کشورهاییست که شعار صلح دوستی را ترویج داده است چون بدون تردید در این باب مهم سایر همکاران توضیح لازم خواهند داد لذا من در این مورد سخن را باختصار برگذار می کنم.

۲- اولویت دوم مربوط به نفت و گاز است که عرض سرمایه گذاری بمنظور بهره برداری بیشتر در آینده است من در این مورد بعداً مطالبی بعرضتان خواهم رساند.

۳- اولویت سوم مربوط به صنعت فولاد و ذوب آهن آریامهر و تولید فولاد از طریق احیاء مستقیم بوسيله گاز خواهد بود. معدن و استخراج مس نیز در این رده بندی قرار دارد.

۴- اولویت چهارم مربوط به افزایش تولیدات کشاورزی است.

۵- اولویت پنجم مربوط به توسعه شبکه برق و آب است.

۶- رفاه اجتماعی شامل آموزش و پرورش - درمان - رفاه کارمندان لژاولویت مستقیم برخوردار است.

۷- طرحهای ناحیه‌ای و تعقیب سیاست عدم تمرکز و اختصاص اعتبارات وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی در مورد سیستان و بلوچستان بصورت یک طرح منطقه‌ای در رده هفتم قرار دارد.

۸- تهیه فهرست طرحهای عمرانی سال ۵۲-۵۳ در درجه هشتم اولویت است.

اما در ترتیب اولویت سیاست کلی دولت عبارت است برنامه‌ریزی - تصمیم‌گیری متناسب، با توجه به عامل زمان و اعتبار و استقرار امور اجرایی بطوریکه برنامه دچار تعلیق در کشور نگردد و بالاتر از همه ادغام برنامه و بودجه که اهمیت آنرا من در ابتدای سخن بعرض ساحت مقدس مجلس شورای ملی رساندم.

پس ملاحظه میفرمائید در تنظیم و تقدیم بودجه سال ۱۳۵۳ سه خصلت عمده در آن ملاحظه میشود که اولی همانطور که باستحضارتان رسید، ترتیب اولویتها بوده، خصلت دوم هدف بودجه و خصلت سوم که من آنرا توجه دولت نام گذاری کرده‌ام سه نکته اساسی است.

ایجاد تدابیر لازم در جلوگیری از تورم که ممکن است نتیجه سرمایه‌گذاریهای دولت باشد.

توزیع عادلانه درآمد و ثروت.

کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از افزایش بی‌رویه و غیر معقول آنهاست.

بدیهی است که حجم بودجه خود میتواند یک وجه تمایز تلقی شود ولی در سیر رشد اقتصادی جامعه افزایش ارقام بیشتر در سیاستها و اولویتها و توجهات نهفته است.

در چند سال اخیر هریسال در هنگام تقدیم بودجه یا اعتبارات برنامه‌های عمرانی با این جمله روبرو میشویم که این بودجه بزرگترین رقم در تاریخ مشروطیت است، این از افتخارات دولت حزبی ماست و غیر از این هم نمیتواند باشد زیرا اساس کار ما بر اصول و منطق و علم و ایدئولوژیست در رأس تمام اینها

از یک رهبری بینظیر نیز برخورداریم و لذا باید هر سال بزرگترین رقم بودجه تاریخ مشروطیت را ارائه نماییم، این در طبیعت نظام تکاملی حزب و دولت حزبی ماست.

اما آنچه اختصاصاً امروز میل دارم بعرض نمایندگان محترم مجلس شورای ملی برسانم توجه جنبه اقتصادی لایحه تقدیمی است همانطور که در متمم‌های لایحه‌ها ملاحظه فرموده‌اند از کل رقم بودجه، امور اقتصادی ۳۱ درصد را بخود اختصاص داده است این رقم که نسبت بسال جاری ۱/۵ درصد افزایش دارد در راه بالا بردن ظرفیت تولید کشور تأثیر فراوان دارد.

برای نشان دادن چگونگی این مسیر پیشرفت در امور اقتصادی شاید بی‌مناسبت نباشد مرور اجمالی بده سال گذشته اندازیم.

کشور ما در دهسال گذشته بطور متوسط رشدی معادل ۱۴ درصد بقیمتهای ثابت و حدود ۲۰ درصد بقیمتهای جاری داشته است و من خوشحالم بعرض نمایندگان محترم برسانم که رشد متوسط سالانه کشورهای پیشرفته در دهه گذشته حدود ۴/۸ درصد بوده است و لذا کشور ما ایران از این لحاظ مقام اول را در میان تمامی کشورهای جهان داشته است ما وقتی صحبت از اقتصاد شکوفان آمریکا یا ژاپن یا آلمان میکنیم باید بخود بیاییم که در دهسال گذشته توانسته‌ایم کاربری، دانش و بینش و سرعت غیر قابل تصور ولیاقت خود را در بارور کردن اقتصاد جامعه خود نشان دهیم امروز آنچه در جامعه ما میگذرد دیگر با ضوابط اقتصادی کشورهای پیشرفته چه در دنیای سرمایه‌داری و چه در دنیای اشتراکی قابل انطباق نیست.

ما افتخار میکنیم که امروز ضوابطی منطبق با وضع خاص جامعه خود و فارغ از هرگونه تقلید بوجود آورده‌ایم که ممکن است همچنان که سالها دیگر کشورها دنباله‌رو ضوابط اقتصادی غرب و شرق بودند اقتصاد سازنده ما را ملاک و ضابطه کار خود قرار دهند. کشور ما در واقع رکود تازه‌ای در صحنه اقتصاد جهانی بجای گذارده است.

از نقطه توسعه صنعتی که نکته اصلی عرایض امروز ما را تشکیل میدهد باید اشاره کنم صنعت که محور

اساسی هر اقتصاد بارور است، امروز علاوه بر آنکه مستلزم سرمایه‌گذاریهای بسیار سنگینی است تأثیر آن در اقتصاد جامعه ما از جهات مختلف مورد توجه است.

اول آنکه - پیشرفت صنعتی بتدریج سبب میشود وابستگی اقتصاد ما از نفت کاسته شود و بتدریج محصولات صنایع غیر نفتی جانشین نفت در صادرات کشور گردد. این نکته بخصوص با توجه به فرمایشات اخیر شاهنشاه در جلسه مصاحبه مطبوعاتی حائز اهمیت است، زیرا که ارزش نفت تنها بعنوان یک عنصر انرژی را در آینده جهان نباید تلقی گردد. بنابراین ما نمیتوانیم متکی اقتصاد خود را صدور نفت مانند گذشته بدانیم. صنایع نفتی ایران در آینده جهان صرفاً جنبه اقتصادی ندارد بلکه ماده حیاتی است که موارد استفاده آن بمراتب بیش از آنست که در گذشته و امروز شناخته شده است.

دوم - تولید صنعتی هم در تحقق سایر برنامه‌های اقتصادی مؤثر است و هم سایر بخشها دنباله رو پیشرفت آن.

سوم - آنکه تأثیر صنعت در ایجاد اشتغال بیشتر و در زمینه بالا رفتن سطح درآمد، ایجاد تخصصهای جدید و پیشرفت مهارتهای فنی، جلوگیری از واردات کالاهائی که در حال حاضر نیاز به وارد کردن آنها داریم و بطور کلی افزایش کار آئی و بهره‌وری بیشتر غیر قابل انکار است.

سخنان وزیر اقتصاد در سیاست صنعتی و اقتصاد دولت که از مجلات درجه اول نفتی دعوت کردند که حقایق مربوط به قیمت نفت را برای اطلاع مردم مصرف کننده کشور های جهان با اطلاع برسانند و وسایل ارتباط جمعی ما باید در این مورد نهایت دقت و کوشش خود را بعمل بیاورد.

حال اجازه می‌خواهم که رتوس برنامه‌های توسعه صنعتی را که در بودجه سال ۱۳۵۳ پیش بینی شده است بعرض ساحت مقدس مجلس شورای ملی برسانم تا بنا توجه به سه نکته‌ای که قبلاً اشاره کردم یعنی بی‌نیازی از ورود کالای صادراتی و تأثیر صنعت در سایر بخشها و بالا رفتن سطح اشتغال و درآمدهای مردم ایران از زمینه‌های صنعتی که در بودجه سال ۱۳۵۳ مورد توجه قرار گرفته

است آگاهی یابند، در متمم شماره ۱ لایحه بودجه از صفحه ۷۸ تا ۹۰ فعالیتهای صنعتی در سال ۱۳۵۳ ذکر شده که حتی مورد مطالعه آقایان محترم قرار گرفته است در این صفحات ۲۷ برنامه مختلف توسعه صنعتی ذکر شده است که جمعا ۱۴۳/۵ میلیارد ریال یعنی ۱۴/۲۵ درصد بودجه سال ۱۳۵۲ را بخود اختصاص داده است باید باستحضار برسانم که امور اقتصادی که شامل کشاورزی آب و برق و نفت و صنایع و معادن و پست و مخابرات و حمل و نقل و ارتباط است جمعا ۳۱ درصد بودجه را تشکیل که از این رقم توسعه صنعتی شامل صنایع، معادن نفت و آب، برق ۱۴/۲۵ آنرا تشکیل میدهد.

اما این فعالیتها عبارتند از:

۱- ایجاد و توسعه صنایع غذایی که بدون شك با توجه به بالا رفتن قدرت خرید مردم و درآمدها، سطح مصرف مواد غذایی بسرعت زیادی افزایش یافته و خواهد یافت و این رشته از فعالیتهای صنعتی در واقع اقدامی است در راه مقابله با کمبود مواد غذایی. ناگفته نماند که امروز برای عرضه کالاهای غذایی بطوریکه تمامی گروهها جامعه بتوانند در تمام فصول و از همه مواد غذایی و در همه جا استفاده نمایند باید به صنایع کنسرو سازی رونق بیشتری بخشید و من در فهرست توسعه صنایع جز آنچه در زمینه غذایی ایجاد سردخانه‌ها و اقدامات افزایش صید ماهی در سواحل جنوب و توسعه کارخانجات شیر پاستوریزه در این مورد نکته‌ای ندیدم و بنابراین توجه دولت را بآن جلب می‌کنم. بدیهی است باید با کمک دولت بخش خصوصی در این راه اقدام نماید.

۲- ایجاد و توسعه صنایع دستی، روستائی، نساجی و چرم در این زمینه دو نکته جالبی که مورد توجه قرار گرفته یکی احیای صنایع دستی و سستی است که بدون تردید میتواند علاوه بر بی‌نیازی کردن بازارهای داخلی از ورود اجناس مشابه از رقم قابل ملاحظه‌ای از صادرات را تشکیل میدهد. نکته دیگر توجه بموضوع قالیبافی و حمایت از قالیبافان و استادان در کردن صنعت فرش و بخصوص توجه بوضع کارگران قالی باف و صادرات قالیهای استادان شده است.

۳- ایجاد توسعه صنایع چوب و چاپ سلولزی است که با توجه به منابع عظیم چوب و بهتر از آن، ملی کردن جنگلها و گرانی قیمت بین‌المللی کاغذ میتوان آن را از اقدامات اساسی دولت دانست و شرکت چو کا که در سال گذشته با مشارکت وزارت کشاورزی و سازمان گسترش نوسازی صنایع ایران بهمین منظور بوجود آمده تاکنون توانسته است مقدمات سریع نصب کارخانه کاغذسازی گیلان را در رضوانده فراهم کند بنظر من تمام فعالیتهای مربوط بصنایع چوب و کاغذ مانند نکا و اسالم تمامی باید در یک واحد متمرکز شود که هم برنامه ریزی تولید میسر باشد و هم از هزینه تمام شده کاغذ بعلت تشدد فعالیتها جلوگیری شود. و از این جهت من توجه آقای وزیر اقتصاد و وزیر کشاورزی و منابع طبیعی را در تسریع این برنامه جلب میکنم.

### ۳- صنایع شیمیائی و پتروشیمی.

با وجود ذخائر بسیار غنی گاز که در کشور ما وجود دارد و با اهمیتی که امروز مواد شیمیائی در افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی دارند با تمام سرمایه گذارهای عظیمی که در گذشته در این زمینه بعمل آمده هنوز از ظرفیت کامل امکانات پتروشیمی ایران استفاده نشده و لذا در برنامه سال ۵۳ نزدیک به ۵ میلیارد ریال به این صنعت اختصاص داده شد. این جامه من ناگزیرم توجه دولت را باین نکته جلب کنم که هدف صنایع پتروشیمی ما باید تهیه مواد اولیه باشد که مورد نیاز کشاورزی و صنایع نوپای ایران است.

۴- صنایع غیر فلزی که فعلا هدف ایجاد کارخانه‌های جدید سیمان است تا بتواند جوابگوی مصرف روز افزون آن در صنایع ساختمانی و سایر موارد باشد.

۵- صنایع فلزی و ذوب فلز است که بدون تردید اساس سایر صنایع را تشکیل میدهد مستحضر هستید که مواد فلزی مورد احتیاج صنایع که فعلا قسمت اعظم آن از خارج وارد میشود، در اثر نوسانات بازارهای بین‌المللی ممکن است دچار آسیب پذیری گردد، صنایع مونتاژی با اصطلاح دیگر صنایع طفیلی نمیتوانند زیربنای صنعتی برای یک جامعه باشند، بهمین جهت، در دهه اخیر صنایع اساسی کشور

نیز ذوب آهن، ماشین سازی، تراکتور سازی، ذوب آلومینیوم مورد بهره برداری قرار گرفته‌اند و ظرفیت کارخانجات ماشین سازی اراک و تبریز حتی تا سه برابر افزایش پیدا خواهد کرد. کارخانه ذوب آهن آریامهر که مستحضر هستید با ظرفیت ۷۰۰ هزار تن پایه گذاری شد و به ۱/۹۰۰ هزار تن رسید و گفتگو برای افزایش تولید آن تا میزان ۴ میلیون تن جسته و گریخته شنیده میشود. در اینجا بد نیست بطرح معدن مس سرچشمه نیز اشاره‌ای بکنم که با استفاده از منابع و امکانات داخلی مورد عمل قرار گرفت و با توجه بآنکه ذخیره معدن مس سرچشمه متجاوز از ۴۰۰ میلیون است نه تنها کشور ما از ورود مس بی‌نیاز خواهد شد بلکه یکی از صادر کنندگان عمده این کالا خواهد بود. البته این طرح بسیار عظیم است و بطوریکه از مقامات وزارت اقتصاد شنیدم برای عملیات استخراج و ذوب مس و تبدیل آن بشمش رقمی حدود سی میلیارد ریال سرمایه گذاری لازم دارد و در سال ۵۳ برای این صنایع ۱۲/۰۵۴ میلیون ریال پیش‌بینی شده است. در اینجاست میسازد از فعالیت یکی از سازمانهای جوان، سازمان نوسازی و گسترش صنایع ایران بخوبی یاد کنم که در احیای صنایع قدیمی و نوسازی آنها و ایجاد صنایع جدید بدون سر و صدا و تبلیغات اقدامات بنیانی انجام میدهد.

باعتماد من توسعه صنایع ما که با سرعتی روز افزون پیشرفت میکند باید بتدریج تمرکز یابد، چه صنایعی که مصالح مملکت ایجاد میکند در دست دولت باشد و چه صنایع بخش خصوصی، باید در یک سازمان واحد متمرکز گردد تا سیاست صنعتی کشور مانند سایر موارد اجرائی مشخص و جامع باشد. و شاید لازم باشد بتدریج مانند کشورهای بزرگ جهان در فکر تأسیس وزارت صنایع که در گذشته هم وجود داشته است باشیم. بخصوص دولت در بودجه سال ۵۳ مقدمات و ایجاد و توسعه صنایع مکانیکی و صنایع وسائط نقلیه و صنایع الکتریکی و الکترونیکی و حتی برای ارشاد صنایع و بررسی و تحقیق در امور صنایع ارقام قابل ملاحظه‌ای پیش‌بینی نموده است. این صنایع که قسمتی از آنها در حال حاضر مورد بهره برداری است پایه‌تأسیس خواهد شد و برخی آنها نیز تکمیل میگردد بهر حال

باید در یک سازمان تحت هر عنوان که باشد متشکل شود.

۲- صنایع نفت یادم هست که در جلسه شورای مرکزی حزب ایران نوین که با شکوهی خاص در ماه گذشته تشکیل شد. نخست وزیر به نکته‌ای اشاره کرد که شاهد مثال آنرا در ظرف مدت کوتاهی می‌بینیم. نخست وزیر گفت سرعت تحولات به شکلی است که گاهی اوقات غافل گیر کننده است و ما باید آماده مقابله با تحولات روز بروز و لحظه بلحظه در جهان باشیم. در صفحه ۸۴ پیوست شماره ۳ لایحه بودجه در فصل پنجم در سطر اول این جمله نوشته شده است. «نفت بعنوان یکی از منابع تأمین انرژی مصرفی در جهان امروز دارای مقام شخصی است». و استحضار دارید که در کفرانس مطبوعاتی اخیر شاهنشاه، راجع به نفت این دیدگاه بکلی عوض شد و شاهنشاه با بصیرت و آینده‌نگری اشاره فرمودند که نفت کالائی بالاتر از صرفاً یک عنصر انرژی زاست و جهان باید از نفت استفاده‌های با ارزش تری بعمل آورد و برای تأمین انرژی باید راه چاره‌های دیگری اندیشید. ملاحظه فرمودید که سرعت تحولات چگونه است. بهر صورت عرض من از ذکر این نکته این بود که اداره یک کشور آنهم با توجه به کیفیت تحولات جهانی امروز و باشکلی ایده آل بدست توانا و با اندیشه‌های ژرف و آینده‌گرای رهبر ایران، مکتبی است نو که برای جهانیان درخور همه‌گونه مطالعه و پند آموزی است.

ولی ملاحظه کنید در همین صفحه در هدفهای توسعه و بهره‌برداری از منابع نفتی گفته شده است که کوشش خواهد شد گاز طبیعی جانشین مواد میان‌تقطیر شود.

بهر حال در زمینه نفت و سیاست نفتی ایران، خوشبختانه کشور ما بیک راه‌نمائیهای مستقیم شاهنشاه آریامهر نه تنها حد اعلای بهره‌برداری را از این ثروت ملی میکند، بلکه برای بسیاری از کشورهای صاحب نفت نمونه است و امروز دیگر لندن مرکز حل و فصل و تصمیم‌گیری امور نفتی نیست، بلکه این تهران است که قلب و مرشد سیاستهای نفتی است و آنها که دیروز برای

ما تصمیم می‌گرفتند امروز دست کمک بسوی شاهنشاه مادر از کردند تا از نفوذ معظم له در میان کشورهای نفت خیز استفاده کنند و مشکلات خود را رفع نمایند.

آنچه در برنامه دولت در سال ۵۳ در زمینه فعالیتهای نفتی بنظر من قابل تقدیر آمد نفوذ مستقیم در بازار جهانی نفت و توسعه هر چه بیشتر برنامه‌های اکتشافی که خطوط اصلی آنها را شاهنشاه قبلا روشن فرموده‌اند. البته توسعه و ایجاد پالایشگاهها در تهران و تبریز و دستگاه تقطیر در لاوان که سوخت کشتیهای وارد به آن محل را تأمین کند از نکات قابل توجه برنامه دولت در سال ۵۳ است.

دولت در سال مالی ۵۳ حتی در امر نفت در خارج از کشور سرمایه‌گذاری در فعالیتهای نفتی دست زده است که مؤید پیشرفت چشم‌گیر اقتصادی کشور ما و واقع‌بینی در اتخاذ سیاستهای منطقی نفتی است از جمله سرمایه‌گذاری در شرکت نفت ایران - پان امریکن - سرمایه‌گذاری در شرکت نفت لاوان، سرمایه‌گذاری در پالایشگاه نفت در بلژیک، سرمایه‌گذاری در تصفیه و تأسیسات توزیع نفت در یونان و ۹۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری در امر توزیع فرآورده‌های نفتی در سایر نقاط جهان است.

در امر انتقال بخش نفت و توسعه منابع گاز و استفاده هر چه بیشتر از آن بعنوان عنصر انرژی زا در داخل و توسعه صادرات گاز نیز از برنامه‌های قابل توجهی است که تنظیم شده است.

در اینجا موقعیت را مغتنم می‌شمارم و در ضمن تشکر از دولت ناگزیر از اشاره به مسئله‌ای هستم که با سرنوشت یکی از شهرهای نفتی ایران یا در واقع شهر پیشرو نفت ایران و حوزه انتخابیه خودم مسجد سلیمان بستگی دارد.

تردید ندارم اعضاء محترم دولت از کیفیتی که در مسجد سلیمان وجود دارد مستحضرند اما برای اطلاع نمایندگان محترم باستحضار می‌رسانم که در ۷ سال پیش کسرسبوم سابق نفت که در حوزه سابق قرارداد فعالیت داشت تصمیم به تخلیه مسجد سلیمان می‌گیرد در حال حاضر از ۳۲ هزار نفر کارمند و کارگری که در مسجد

سلیمان در سازمانهای نفتی اشتغال داشتند بیش از هزار نفر باقی نمانده است. این امر بدانجهت حائز اهمیت است که مسجد سلیمان شهری است که صرفاً بر محور فعالیت های نفتی شکل گرفته و حال که این فعالیت باهواز انتقال پیدا کرده است يك جمعیت ۱۸۰ هزار نفری در حال اضمحلال و نابودی هستند.

دولت حزبی خوشبختانه مساعی لازم را برای رفع محظور و حتی جاننشین کردن نوعی صنعت که پاسخگوی اقتصاد شهر باشد بعمل آورده است در سال گذشته و سال جاری دولت نمایندگان گانی مرکب از وزارتخانه های مختلف به محل اعزام داشته و سرپرستی یکی از هیئت هارا جناب آقای اصفیاء وزیر مشاور و نیابت نخست وزیر در امور عمرانی و اقتصادی با شرکت وزیر آب و برق و معاون وزارت کشور بعهده داشتند در محل به گفته های مردم گوش دادند و چاره هائی نیز اندیشیده شد اما حال که حاکمیت مطلق ایران بر صنایع نفت اعمال شده است انتظار مردم این شهر این است که در زمان انقلاب و در حالیکه تمام مردم روستاها در پرتو برکات انقلاب شاه و مردم روبه عمران و آبادی و نوسازی و اقتصاد بارور میروند از اضمحلال شهری که شصت سال پیشرو صنعت نفت و مرکز اداره این صنعت در صفحات جنوب بوده است جلوگیری بعمل آید در مطالعاتی که طبق دستور جناب آقای نخست وزیر صورت گرفت و با تحولات که در مدیریت صنعت نفت بدست آمده است این حقیقت روشن شد که استدلال کنسرسیوم سابق نفت برای تخلیه مسجد سلیمان که بیشتر بجهت اقتصادی بوده موجه نیست چه بعد از ملی شدن صنعت نفت و استقرار مرکزیت ادارات حوزه قرارداد در مسجد سلیمان تولید نفت این شهر از ۳۴ هزار بشکه در سال تجاوز نمیکرده است و این رقم در حال حاضر به ۱۴ هزار بشکه تقلیل پیدا کرده است - در مقابل صادرات ۵ میلیون بشکه نفت ایران در روز تصدیق میفرمایند که تمرکز ادارات مرکزی حوزه نفتی جنوبی بلحاظ اقتصادی نبوده است. اکنون هم این فرصت باقی است که با برگشت دادن واحدهای ستادی شرکت ملی نفت ایران مانند واحد زمین شناسی و موزه نگاری و حتی سازمان مالی و کمپیوتر مجدداً از

ویرانی این شهر جلوگیری بعمل آورد پیشنهادات لازم از طرف مردم و اینجانب قبلاً بحزب و دولت تقدیم شده است و اقدامات ضرور نیز تا حد امکان صورت گرفته است ولی برای اینکه مجلس شورای ملی نیز از این پیشنهادات مستحضر باشند به ذکر خلاصه ای از آنها اشاره میکنم.

۱- موقعیت جغرافیائی مسجد سلیمان در میان مناطق نفت خیز بشکلی است که دارای مرکزیت است و تخلیه این شهر هیچگونه کمکی جز کمک بویرانی شهر نمیکند همین اصل دلیل اولیه استقرار کنسرسیوم سابق در سال ۱۹۵۶ در مسجد سلیمان بوده است.

۲- شهر اهواز بشهادت آمارها و ارقامی که در نخست وزیری و وزارت کشور موجود است توانائی پذیرائی واحدها و پرسنل منتقل شده از مسجد سلیمان را ندارد و برای رفع محظور شهر اهواز بهتر است که واحدهای منتقل شده به مسجد سلیمان بازگردانده شوند.

۳- با استقرار بعضی صنایع نظامی ارتش شاهنشاهی و توسعه باند فرودگاه در این شهر در صورتیکه اجراء وظائف بعضی از اعضاء شرکت نفت در اهواز ضرور باشد امکان مسافرت آنها در صبح و مراجعت آنها در بعد از ظهر که جمعاً ۲۵ دقیقه طول میکشد با سرویس منظم هواپیمائی ملی ایران طول می کشد مقرون بصرفه است تا آنکه ارقام سرسام آوری بابت اجاره منازل کارکنان در اهواز پرداخت گردد. مضافاً بآنکه این کیفیت اساساً شهر اهواز را از لحاظ مسکن برای سایر گروهها در مضیقه قرار میدهد شاید تذکر این نکته لازم باشد که هزینه ساختمان تمامی منازل مسکونی شرکت در مسجد سلیمان که برای ۳۲ هزار نفر کارگر و کارمند کفایت دارد در ۲۵ سال پیش مستهلک شده است.

۴- اتصال شاهراه اصفهان و اهواز از طریق مسجد سلیمان که از راه ایذه نزدیک تر است و در عین حال این شاهراه را از طریق شاهراه غرب کشور به کرماتشاه و همدان مربوط میسازد. توجه وزارت راه را باین نکته جلب مینمایم.

۵- استقرار واحد برق سازمان آب و برق خوزستان در مسجد سلیمان که بین دو واحد تولید نیرو و برق یعنی سد محمدرضاشاه و رضاشاه کبیر قرار گرفته است.

۶- تشویق و حمایت دولت بسرمایه گذارانی که مایل بتاسیس واحدهای صنعتی در این شهر هستند لازم بتذکر است که در این شهر به علت چند سال فعالیت های صنعتی نیروی انسانی ماهر برای هر صنعتی بدون هزینه و آموزش آماده و در اختیار است.

۷- معادن کشور ما خوشبختانه از لحاظ دارا بودن معادن طبیعی بسیار غنی و از مراکز پرمعدن جهان است دولت در سال ۱۳۵۳ برای اکتشاف و شناسائی و استخراج و بهره برداری و کمک به بهره برداران بخش خصوصی و صاحبان معادن و نظارت بر امور معادن برنامه وسیعی تنظیم نموده است که درخور توجه میباشد.

۸- بازرگانی - کشور ما امروز بعنوان يك کشور امن و قابل اطمینان باید سهم قابل ملاحظه ای در بازرگانی بین المللی بعهده گیرد و حضور خود را در بازارهای جهانی استمرار دهد. جلب سرمایه های خارجی بخصوص در زمینه های تولیدی و نظارت در امور بازرگانی تأمین مایحتاج داخلی بقیمت منصفانه از این بازارها بهبود صادرات از طرق توسعه استانده کردن کالاهای صادراتی و توسعه راهها و وسائل حمل و نقل تعیین نماید. در بودجه سال ۱۳۵۳ دولت رقمی معادل ۴۵ میلیارد ریال تخصیص داده است.

۹- برق - توسعه صنعت برق با برنامه های عظیم توسعه صنعتی ارتباط مستقیم دارد بهمان اندازه که سرمایه گذارهای صنعتی مورد توجه است شك نیست که باید بتوسعه و ایجاد نیروگاههای تولید برق و شبکه برق رسانی اهمیت داد.

بر طبق آمارهای وزارت آب و برق در طول برنامه پنجم و ششم و با توجه بایجاد صنایع بزرگ تولید برق کشور باید بترتیب به ۷۰۰۰ و ۱۵۰۰۰ مگاوات برسد در سال ۱۳۵۳ مجموع تولید برق کشور با رعایت نیروگاههایی که بهره برداری از آنها تا پایان سال مذکور انجام خواهد شد ۳۵۰۰ مگاوات است.

البته رقم تولید برق در برنامه سال ۱۳۵۳ - ۳۵۰۰ پیش بینی شده است ولی در سخنرانی آقای وزیر آب و برق در انجمن نفت در تاریخ ۵۲/۹/۲۸ این رقم ۴۵۰۰ مگاوات گفته شده است ولی

بهر تقدیر ایران در برنامه پنجم باید صد درصد و در آخر برنامه ششم نزدیک به ۴۵۰ درصد به تولید برق خود اضافه نماید طبیعی است که برای تولید برق علاوه بر استفاده از انرژی آبی بایستی حتی المقدور کوشش نمود که از سایر منابع مانند توربین های گازی و بخصوص نیروگاههای اتمی استفاده نمود که خوشبختانه در برنامه پنجم و در بودجه سال ۱۳۵۳ پیش بینی لازم در این زمینه بعمل آمده و امیدواری بسیار است که این نیروگاه اتمی در ایران در اوائل برنامه ششم یعنی چهار یا پنج سال دیگر مورد بهره برداری قرار گیرد نکته ای دیگر که بنظر این بنده تذکر آن ضرور است موضوع برق - رسانی بروستاها است که باید طی يك برنامه منظم و نسبتاً سریع انجام پذیرد. شاید تشکیل شرکتهای تعاونی خدمات برقی مانند آنچه در کشور آمریکا مورد عمل است بتواند اقدامات برق رسانی روستاها را تسریع کند.

بهر حال در خاتمه عرایضم بایستی اولاً بدقت و صحت عمل دولت در تنظیم بودجه سال ۱۳۵۳ تبریک بگویم. ثانیاً با تغییراتی که احتمالاً در جهت افزایش منابع مالی از طریق نفت بدست خواهد آمد کوشش شود سیاستهای ضد تورمی با جدیت بیشتر دنبال شود و ثالثاً از خداوند بخواهم دولت حزبی را در اجرای منویات شاهنشاه و خدمت بملت ایران بیش از پیش موفق و مؤید بدارد (احسن - احسن).

۳ - تصویب صورت جلسه روز پنجشنبه  
۶ دیماه ۱۳۵۲

رئیس - نسبت بصورت جلسه روز پنجشنبه ششم دیماه نظری نیست؟ (اظهاری نشد) صورت جلسه تصویب میشود.

۴ - ادامه مذاکره در گزارش يك شوری  
کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه  
اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال  
۱۳۵۳ کل کشور

رئیس - آقای دکتر رئیسی بفرمائید.

دکتر رئیسی - بنده کاری که همه دوستان در آخر صحبت میکنند در اول صحبت منم اگر ضمن صحبت های من خسته شدید عذر میخواهم. دلیل اینست که شما وکلای انقلاب هستید و این هم مالیات انقلاب است،



آب جاناش است زندگیش است چون قیمت آب در کویر مافوق این حرفها است. ولی آنکس که این کوزه را بدست او میدهد باید رعایت همه جوانب را بکند يك روستائی باید به يك طبیب اینقدر بتواند پرداخت بکند که طبیب قانع بشود و بتواند آنجا زندگی کند و یا دولت اینقدر باین طبیب بدهد که زندگیش تأمین بشود طبیب هم مخارجی دارد انتظار داشته باشید فداکاری کند ولی توقع هم باید داشته باشد دومین مطلبی که در مورد روستا خواستم صحبت کنم مسأله خوراک است خوراک روستائی محدود است همانطور که عرض کردم او آشنائی با گریپ فروت ندارد این روستائی نان و توتون و حبوبات و قند و چای میخواید این میشود مایه و اصل غذای او.

**عباس میرزائی** - این گریپ فروت چیست که اسمش را میآورید؟

**دکتر رئیس** - منم از وقتی آدم همکار تو شدم با این گریپ فروت آشنا شدم و از مجلس شورای ملی میگرتم. گریپ فروت میوه ای است که دوستان شما اغلب آبش را میخورند منم نمی شناختم و اخیراً آشنا شده ام خوشخانه بیشتر مایحتاج های اصلی که در مورد روستاها گفته شد آنهایی هستند که در انحصار دولت است توتون انحصار بدولت دارد قند و چای انحصار بدولت دارد نان و بقیه چیزها همینطور حال می خواهم يك پراپرتز باز کنم، آمار بانک مرکزی را می خواندم دیدم قیمت نخود بالاترین افزایش ها را داشته است چرا؟ (یک نفر از نمایندگان - بچیب روستائی رفته) بلی، حالا مطلب باینجا رسید که کار ساده شد چون خوشخانه در دست دولت است بایک کمی بالا و پائین کردن این ها را میشود تأمین کرد. من باب مثال گندم، این برداشت از گندم نشد باید گندم را گران خریدار ارزان تحویل داد همه جا اینچنین ضررها را دولت تحمل کرده است. اگر بخواهید این مملکت بطرف کشاورزی سیر کند باید کسی که در کشاورزی کار می کند بهره برداری کند و این استفاده ممکن نیست مگر صندوق ضمانت بوجود بیاید یعنی يك کشاورز یا غیر کشاورز بداند از این هکتار زمین و از این آب که با موتور یا از قنات بر می آید چقدر محصول بدست می آید و چقدر استفاده دارد اگر

باید خدا باشد که بکسال استفاده باشد و بکسال ضررنا ابد لنگ است! الان در قبال گندمی که ما میخریم باید از همان قیمتی که تقریباً از خارج میخریم باشد. ولی این تعبیر نشود که قیمت نان بالا برود. نان مصرف اغلب مردم است، قوت مردم است. پول داریم ضررش را هم می دهیم، در جای دیگر از مالیات های دیگر جبران می کنیم خوب این بحث حبوبات و قند و چای و غیره.

**مسهودی** - حل نکردید قربان.

**دکتر رئیس** - تمام اینها را عرض می کنم جناب مسهودی بگذارید بروم جلو من اگر بخوام دانه بدانه بگویم مطالب تکرار میشود راجع بامور کشاورزی من دیدم دوستان اقلیت و حتی اکثریت تأکیدهایی کردند که باید فرمی داده بشود که زندگی مایباران و بارندگی وابسته نباشد. من نمیخواستم این مطالب را تکرار کنم، چون اصرار میفرمائید عرض می کنم، اگر دولت برای قند و شکر و چای برنامه داشت باین وضع سه ماه پیش بر نمی خورد اگر تسمان برنامه داشت، اینطور نمیشد البته اشکال ندارد همیشه ممکن است اشتباه شود در هر برنامه ای گاهی اوقات ممکن است چنین اتفاقی بیفتد. اینجا ده بار صحبت شد که سیمان کیسه ۷ تومان است شده ۳۵ تومان آیا دلتان می خواهد من برای سی و یکمین بار بگویم؟

**مسهودی** - قیمت قند و شکر در اینجا بالا رفته؟

**دکتر رئیس** - جناب مسهودی راجع بسیمان همه گفتند که سازمان برنامه با آن تشکیلاتی که داردمی داند چقدر از بودجه در امر ساختمان است و يك معمار هم می داند که در يك متر ساختمان چقدر سیمان بطور تقریب مصرف میشود. همین کارخانه هایی که گفته شد مثل بوشهر و جاهای دیگر که از طرف بخش خصوصی برای احداث کارخانه سیمان تقاضا شده بود چرا جواب ندادید، موافقت نکردید؟ بهر حال گاهی اوقات محاسبات اشتباه است. چرا انحصار برایش درست کردید؟ این را باید پیش بینی می کردید، این اشکالات بوده ولی حالا باید رفعش کرد حال بیائیم سراغ پوشاک روستائی شما ببینید تولید نساجی این مملکت ۴۵۰ میلیون متر در سال است میزان احتیاج مملکت را ۶۰۰ میلیون متر بر آورد کرده اند. من وازدنیتم اینطور بر آورد کرده اند میزان تولید

پنبه ۲۰۰ هزار تن در سال است. میزان مصرف برای کارخانه های نساجی داخلی ۷۰ هزار تن و بقیه اش بصورت خام صادر میشود آیا کارگر نداریم؟ چرا نداریم؟ کارخانه کم است چرا؟ در دنیا کارخانه های نساجی يك صعود يك نزول و يك نوساناتی دارد در مورد صدور این پروانه ها باید يك جایی باشد وقتی کسی می آید اجازه بگیرد باید از لحاظ نوسانات بازار جهانی مطالعه کرد که در این موارد این اشکالات وجود دارد ولی وقتی حس کردید که این قدرت روی پای خود ایستادن دارد، قدرت رقابت دارد، باید بگذارید افتتاح بشود. و اغلب صنایع بصورت مونوپول در نیاید. يك صنعت وقتی میتواند توسعه پیدا کند که رقیب داشته باشد بتواند برود در بازارهای بین المللی رقابت کند. خدا می داند وقتی به کشورهای خارج مخصوصاً کشورهای همجوار رفتیم و دیدم یکمقداری از محصولات ما آنجا مستحق بخود بایدم افتخار کردم (احسن). من نمی توانم منکر شوم از بعضی از این صنایع و پیشرفت هایی که داشته ایم و توانسته ایم مقداری از محصولات آن را بخارج بفروستیم از افتخارات شما و ماست از افتخارات این ملت و این مردم است که تحت رهبری شاهنشاه انجام گرفته (احسن)، ولی وقتی صحبت میشود برای کم و کیف آن سیاست اصلی این درست ولی برای کم و کیف پائین آن هم هست. الان بکارخانه های نساجی زیاد پروانه داده شده کارخانه های زیادی هم باز شده خیلی خوب است برای اینکه بروم توی لاین خودم اینجا یکبار من صحبت کوچکی راجع بروغن نباتی کردم که توی تلویزیون هم همه می دیدید که میگویند طعم کره دارد و چه و چه تا مشتری بیشتری جلب بشود يك وقت دیدیم صداها قطع شد يك آدمی که مطالعه کرده است می گفت هر كيلو از این روغن نباتی با کیفیت بسیار عالی تر که از هلند کرايه بدهند و بیاورند با کشتی و به کاسب ها بفروشند كيلو ۳۲ تا ۳۴ ریال تمام میشود (یک نفر از نمایندگان - چنین چیزی نیست این قیمت سال گذشته است).

**دکتر رئیس** - اما اینجا بعد چه شد؟ یکدفعه از ۴۲ ریال به ۵۲ ریال رسید. چرا؟ چون تناژ مملکت رفته بالا، معلوم است وقتی اجازه یکی داده نمیشود

قیمت ها را می برند بالا درست هم است. این پروانه ساخت است که درست نیست. روغن نباتی چی مصرف دارد؟ پنبه دانه، پنبه دانه را تنی بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ تومان از پنبه کار - این را خانم گرگانی بهتر میدانند - از پنبه کار گرگانی میخرند. از سال ۳۲ تا حالا فکر نکنید قیمت آن ۶۰۰ تا ۷۰۰ تومان بوده نه در مواقعی بعلت کمی پنبه و وجود کرک خار دار است که قیمت آن ۷۰۰ تومان میشود و تفاله آنرا بعد از مصرف در همین حدود میفروشند يك روغن مادرم دارد که باز كيلو ۱۲ ریال می آورند يك پیشنهادی در اطاق بازرگانی دیدم که عده ای از اینها پیشنهاد کرده اند که يك روغن مادر که روغن خوک است با سم پالن آنرا بیاورند بعد در مراکش گویا مطالعه کرده بودند و متوجه شدند که این يك مقداری فلج داده و بیاورند، ببینید تا اینقدر هم متوجه نیستند. بهر حال منظور روی مونوپولیسیم صنعتی است باید با هم رقابت کنند خیلی خودخواه نشوند بدانند و بتوانند کارگر ماهر تربیت کنند و بتوانند در بازارهای بین المللی رقابت کنند. پنبه هر چه خام صادر بشود بضرر ماست خوب است صادر بشود اما بهتر است که ماصنایع نساجی مان اضافه بشود و از این مرحله سطحی رد شویم.

**عباس میرزائی** - خوراک و پوشاک روستا که تمام شد برویم سر مطالب دیگر.

**دکتر رئیس** - اگر شما تمام شده تلقی فرمودید باعث خوشوقتی است عرض کردم بطور سطحی از آن گذشتم شما بیائید عمیق ترش کنید. اولاً اینرا بگویم که تشخیص نصف درمان است. اول تشخیص بده بعد فکر درمانش باش. من يك درمان هم میگویم يك راهنمایی میکنم آنچه بر عقل ناقص من سمیرسد البته مشورت هایی هم کرده ام. آقای دکتر دادفر من آروز در کمیسیون ایراداتی که شما می گرفتید شنیدم، خوشحالم، من نمیدانستم توی خود شما هم چنین بحث هایی وجود دارد اما نمیدانم چرا وقتی من میگویم دردناک میشود.

**یک نفر از نمایندگان** - نه بفرمائید دردناک نیست.

**دکتر رئیس** - متشکرم و خوشحال شدم. عرض شود که هیچ جای اغماض نیست که وضع بهداشت و درمان این مملکت خراب است و مال روستائی خراب تر

است . هیچ جای سرپوش گذاشتن هم نیست . آمارهایی میآورم حضورتان که اگر غیر از این دیده شد و گفته شد و چنین و بهمان است قبول نفرمائید . منظومناطق قبل از خودم نیست . بطور کلی اگر کتابهایی هم منتشر شد قبول نکنید . باز هم يك مقدمه ای بگویم اگر راجع ببهداشت و درمان صحبت شود منظوم نه وزارت بهداشتی و نه مقامات درمانی دیگر است و نه همکاران عزیز طبییم هست و نهایت علاقه و اعتقاد را به ایشان دارم و میدانم اکثریت با آن طبیبانی است که بانهایت جدیت شب و نصف شب با تمام قدرت بیالین بیماران رفته اند و هر که ویزیت داده گرفته اند و هر که نداشته و نداده گذاشته اند و رفته اند . من میخواهم دولت این توجه را بکند که در این مورد سعی کند رابطه طبیب و مریض را بنحو احسن بهبودی بخشد ۵۰ درصد درمان هم در همین نکته است که باید مریض بآن طبیبی که مراجعه می کند اعتماد و اعتقاد داشته باشد . تجربیاتی که وجود داشته که اگر يك مریض با اعتقاد پیش طبیبی رفته اگر يك قرص گچ هم باو داده اند امکان درمانش وجود داشته ولی کسی که نسبت بیزشك معالج بی اعتقاد بوده اگر بنیسلین هم به او تزریق کرده اند اثر نداشته ، اعتماد طبیب و مریض بهیچ وسیله ای نباید از بین برود (صحیح است) منم اگر صحبتی میکنم راجع بطیب نماها است . راجع به آنهاست که طبر را بصورت مونوپول در آورده اند و فقط بصورت مادیات بآن نگاه میکنند مملکت ما الآن احتیاج بطیب دارد ، احتیاج طبیبی که در ایران تحصیل کرده و یابخارج رفته دارد اقتصاد ما دارد روز بروز شکوفان تر میشود ولی روز بروز وضع درمان مملکت روز بروز بدتر میشود اینرا قبول کنید هر چقدر سرمایه گذاری در این مورد بشود جای دوری نمیرود این بدن سالم است که میتواند سالم فکر کند و میتواند بازده داشته باشد . در کارخانه ها بصورت فعال کار کنند ولی این عمالیا بهر طریقی که بخواهید حساب کنید پشت گوش انداخته میشود .

من راجع بامور درمانی بطور کلی باز هم کلاسه اش میگویم برای بهبود وضع درمانی که الان با سامان است اول برنامه کامل ، بعد بودجه و بعد پرسنل و بعد وسیله باید داشت .

**یکنفر از نمایندگان** - پزشك میخواهد برای سی میلیون آدم چنددکتر هست ؟

**دکتر رئیس** - پزشك در همان کادراست بعد میرسیم وملاحظه فرمائید که بی برنامهگی بچه صورتی بوده که يك کارمند دولت در هر ماه که ممکن است دویست تومان هزینه درمانی داشته باشد بلی آقای دکتر سام در بعضی از مؤسسات دویست تومان اعتبار هر کارمند است ولی وزارت بهداشتی برای کارمند خودش يك ریال هم هزینه درمان نگذاشته است و اخیراً يك درمانگاه ناقص پیدا کرده اید کارمند خود وزارت بهداشتی يك قران هزینه درمان ندارد ولی يك مؤسسه دیگر دویست تومان هزینه درمان داشته است .

**فرهادپور** - حتماً مؤسسه وابسته بوده .

**دکتر رئیس** - بدون شك .

**یکنفر از نمایندگان** - مطالب را بشکافید .

**دکتر رئیس** - آیا این موضوع هست یا نیست ؟ از این شکفته تر ؟ بقیه اش را از آقای رامبد بپرسید .

**دکتر الموتی** - جنابعالی کلی صحبت فرمودید بشکافید به بینیم چه میگوئید .

**دکتر رئیس** - آقای دکتر الموتی من از شما نه تنها بعنوان لیدر اکثریت بلکه بعلت چند مورد دیگر که پیش آمد باید تشکر کنم بادانان هست نامه هایی خدمتتان در مورد سپاه بهداشت دادم از من گرفتید و بعد آوردید و دیدم که خوانده بودید و خط کشیده بودید این قابل تحسین است ماهر چقدر که پیش میرویم آن دیدی را که نسبت با اکثریت پیدا کرده بودیم بهتر میشود ببینید برخورداریم را با دونفرتان گفتیم . توجه میفرمائید مواردی را که جنبه های ملی است من منکر آن نمیشوم پس چرامن وقتی دردی از درمان مردم را میگویم نمیگذارید اجازه بدهید بگویم آخر سر اگر جانی باقی ماند بگوئید شکفته تر روشن تر بگویم .

**دکتر الموتی** - ما نمیخواهیم در پشت تریبون مجلس مطالب باینصورت گفته شود که مطالبی داریم و نمیگوئیم .

**دکتر رئیس** - عرض کردم جناب دکتر الموتی درخوزستان کارمندی وجود دارد که هزینه درمانیش ۲۰۰

تومان است اگر آنموقع نگفتم حالا میگویم . بیخ گوش شما در وزارت بهداشتی کارمندان آن وزارتخانه يك قران هزینه درمان ندارد فرض بفرمائید وزارت کشور رفته قرارداد بسته ۶۰ تومان و یکنفر دیگر رفته بیشتر قرارداد بسته مثلاً وزارت خارجه ۷۵ تومان جناب دکتر سام البته مثال میزنم و بعد بیمه کارمندان میگوئید من ۲۱ تومان درمان میکنم اینهارا آخر عرایضم میخواستم بگویم ولی حالا میگویم تا زمانیکه برنامه ریزی شما يك کاسه نشود و تمام هزینه هایتان که خیلی کم هم نیست ، در زیر يك چتر قرار نگیرد ، برنامه ریزی کامل نشده است . الآن بیمارستانهایی هم که وجود دارد يك طبیب ۴۰۰ تا مریض می بیند و طبیب دیگر هم هست که در اثر نبودن برنامه ریزی بیکار در مطبش نشسته یا در بیمارستان بیکار است من باب مثال عرض میکنم یکی از دوستان برای من تعریف می کرد که سیاتیک داشتم رفتم پهلوی يك طبیب معروف ، پایم درد می کرد ، ناراحت بودم البته بعدها معلوم شد که سیاتیک است چند بار رفتم پیش این طبیب فایده نکرد ، چرا فایده نمی کرد ؟ چون متوجه شدم تا من می گویم که پایم درد می کند و این درد تا کمرم میرسد دکتر نسخه اش را نوشته و بدست من داده است . دفعه بعد که رفتم از سکرترش ۵ نمره گرفتم یعنی ۵ تا حق ویزیت دادم و گفتم من ۵ نفر مریض دارم و رفتم پیش دکتر بمحض اینکه مرا دید گفت خوب شدی ؟ گفتم نه و چند سئوال دیگر کرد و گفت فهمیدم ، حالا نسخه می نویسم . گفتم : ببخشید این مریض اولی بود و این يك نمره دیگر روی میز او گذاشتم ، آنوقت گفتم اما مریض دومی ، این درد از پشت پایم تا کمرم میرسد گفت فهمیدم و خواست نسخه بنویسد نمره سوم را روی میزش گذاشتم ، همینطور تا آخر .... بهرحال باین ترتیب به آن دکتر عزیز این توجه داده شد که وقت بیشتری صرف بکن اگر هزینه بیشتری هم میخواهی حرفی نیست . این يك نمودار کلی است البته من احترام کاملی برای دکتر قائل هستم خودم دکترم و با دردم آشنا هستم ولی منظور من اینست که این طب از فرم مونوپولی اش خارج بشود تا آنهایی هم که خارج از این کشور هستند بدانند که میتوانند اینجا بکارشان برسند .

**فرهادپور** - جلوگیری از فرار مغزها همین است .  
**دکتر رئیس** - بلی مؤسساتی وجود دارد که از لحاظ درمانی هزینه يك عمل کوچک مثل زایمان ممکن است ۱۰ هزار تومان برایشان تمام بشود و مؤسساتی وجود دارد که حتی يك بیستم آنها امکان پذیر است با اینکه احتیاجات خیلی فوری است و ممکن است اورژانس ها بشهر نرسند وسیله ای برای مریض نیست و اینها همه گواه بدی برنامه ریزی ما است گواه بدی بی شبکه ای کار امور درمانی ما است که فقط يك جای بخصوص را گرفته ایم و بقیه جاها را فراموش کرده ایم . گفتند ۹۰ مؤسسه وجود دارد که از طرف دولت پول می گیرد و به نحوی به کار درمان می پردازد آخر به بانک ملی چه مربوط است که بیاید به کار درمان رسیدگی کند و يك مریضخانه های کلاس درست کند با دستگاه های عجیب و غریب ، ولی خود وزارت بهداشتی نتواند اینکار را بکند مگر اینها بهم اعتماد ندارند ؟ من گفتم ۹۰ مؤسسه بکار درمان دخالت می کند جناب وزیر فرمودند ۸۸ تا بهرحال هر کدام سفت کن شل کن در آورده اند هر کدام تصمیمات خلق الساعه ایجاد می کنند . من شنیده ام دولت هم در صدد است ولی کی ؟ ده سال است می گذرد . بیائید فکری بکنید و چاره ای ببندید . تصمیماتی گرفته شده ولی کو ؟ این نامه که من می بینم و اینجا هست متعلق به چند سال پیش است اما باید بگویم که دو مؤسسه یکی شیر و خورشید و یکی سازمان شاهنشاهی است که بدست خواهران نیکوکار رهبر مملکت اداره میشود و با پی گیری های این فرشتگان نیکوکار ایندو مؤسسه به موفقیت هایی نائل شده اند . ولی این برای درمان مملکت کافی نیست من در این کتاب بودجه که مطالعه می کردم دیدم دولت وزارت بهداشتی را مشغول درمانی شناخته است خوب ، منم میشناسم و از این به بعد روی سختم با وزارت بهداشتی است وقتی مصدومی کنار خیابان می افتد و کسی جرأت نمی کند بطرف این مصدوم برود باید يك کسی بیاید و این را به بیمارستان برساند ۱۵ تا آمبولانس در ۱۵ نقطه این شهر بگذارید که يك مصدوم را ببرند به بیمارستان و جوا بگوی مریضخانه ها باشند . مریضخانه ها

قبول نمی کنند و حق هم دارند چون ممکن است يك مصدوم و يابك مريض سوخته پنجاه شصت هزار تومان خرج داشته باشد. ممکن است ماهها بخوابد ممکن است کلیه اش بلو که کند کلیه مصنوعی می خواهد ۷۰۰ تومان هزینه هر ساعت کلیه مصنوعی است این اگر يك کارگر نانوايي باشد تکلیفش چیست؟ این اگر درزیر چتر بیمه های اجتماعی نباشد تکلیفش با کیست؟ حالانی خواهی وارد معقولات بشوم، اما این بیمارستان سوانح سوختگی که بدست شاهنشاه و شهبانوی عزیز و گرامی ما افتتاح شد واقعاً جای خوشبختی است. چرا ما از این بانوی گرامی و خیرخواه یاد نمی گیریم؟ بهر حال دستگاهی نیست که مصدوم را از کنار خیابان به بیمارستان برساند آمبولانسی هم اگر هست هر کدام بیک فرم است يك جیب یا آژیر گذاشته اند و بصورت آمبولانس در آورده اند ۱۵ تا آمبولانس ارزان قیمت بیاید بگیری بگذارید در ۱۵ نقطه شهر، میگویند در صد دهم هستیم و از این حرفها! ولی اینها بعلت نبودن برنامه ریزی است. اما در روستاها که اصلاً خبری نیست بعد آمارش را می گیریم. بکوقت صحبت از این شد که پیشگیری با درمان جدا است اما پیشگیری نباید این تعبیر را بدهد که يك چیز دیگر است و درمان يك چیز دیگر این دو با هم مربوط است نمی شود تفکیک کرد. انشاءالله روزی پیشگیریمان طوری خواهد بود که جلوی تمام امراض را خواهیم گرفت. ولی باز آپاندیس وجود دارد باز بیمار تبار پیدا میشود بیمار دل دردی بوجود می آید زخم معده هست فقط يك مقداری ما می توانیم بیماری را کم بکنیم. این هشدار را میدهم اگر وزارت بهداشتی قرار است اسمش را بگذارد وزارت بهداشت باید بگوید جواب درمان مردم را چه کسی میدهد؟

فکر نکنید کار درمان تمام شده، درمان بصورت خودش با کمیت و کیفیت خودش لااقل برای سالها وجود دارد و بعد هم اگر پیشگیری بعد کمال خودش رسیده تازه مقدار کمی از آن بر طرف شده و بقیه اش وجود دارد مادر کار پیشگیری ناقص بودیم و نتوانستیم کاری بکنیم عملاً کاری که مادر پیشگیری کردیم کارهایی نبوده که خیلی از آنها را بشود صحه گذاشت من باب مثال چندتا میگویم

بیشترش را از حوصله آقایان خارج میدانم این کار تخصصی است باز هم مرا پیششید که از سل و نظیر آن صحبت میکنم یکی از امراض که میشود با پیشگیری جلو آنرا گرفت و خیلی ناراحت کننده است سل است ولی مرضی خانمانسوز نیست قابل علاج است و راحت هم علاج میشود یکبار من گفتم آمار سل این مملکت در حدود ۲ درصد است خرده گرفتند که اصلاً آماری وجود ندارد ولی داشت درد نقطه آمار گرفتند یکی در بلوچستان و یکی هم در بازار رشت ۳۱ درصد است البته اینها مناطق سل خیز بوده است میگویند ۱/۵ درصد بهر حسابی و کتابی از این جمعیت ۳۰۰-۴۰۰ هزار نفر مسلولند ببینیم دنیا چه میکند برای سل و ما چه کرده ایم؟ در دنیا بچه طریق سل را معالجه میکنند؟ در يك کشور پیشرفته بطور خیلی ساده و باداواهای ارزان قیمت با استقبال سل میروند مردم قبل از اینکه سل بگیرند از آن دوا میخورند در بعضی جاهای دیگر مثل ژاپن و آمریکا سرویو گرافی میکنند تمام مردم را عکسبرداری میکنند که هر که مسلول بود از خانواده جدا کرده و دوا بیا میدهند بمحض اینکه مسلول دوا خورد دیگر واگیر ندارد پس مريض را میشناسند و دوا میدهند و تمام میشود اگر سل مردم بطور صحیح معالجه شود که خیلی هم ارزان است معالجه بشود رقم آمار به ۱/۱۰ میرسد و میاید پائین و این کار را در شرکت نفت کردند و نتیجه هم گرفتند در اغلب جاهاد در ژاپن و جاهای دیگر آمار سل به ۱/۱۰ رسید اگر کسی در اینجا آمد و گفت بیمارم یعنی کسیکه مرض تا خرخره اش رسیده و از روستا آمده تا بشهر رسیده که معالجه اش کند این روش غلط است دیدیم در بودجه برای آسایشگاهها بودجه گذاشته ایم مريض نباید بخوابد باید برود کار کند و از نیروی کارش استفاده کند دواي ارزان باید بیاورد و بدیدرست ما عکس این کار را میکنیم دواي مسموم کننده باو میدهم کار دیگری در مقابلش میکنیم از کاربرد کنارش میکنیم او را چاقو کش با میآوریم و بعد انتظار داریم که او برای ما مرد فعالی باشد اصلاً راهش این نیست و بعد بمريض یاد میدهم که این دوا اگر انقیمت است بتو میدهم برو بفروش من بی مطالعه این حرفها را نیز من اینها چیزی است که عمل میشود شما ببینید من کجای دلم میسوزد حالا این سل بود مطلب دوم راجع به تب مالت

است که برخلاف اسم قشنگش بسیار مرض خطرناکی است و از سل بدتر است فکر نکنید من درس طب میخوانم بدهم (یک نفر از نمایندگان - تختههای سرخه حصار خالی است) قبول دارم اما اگر سرخه حصارا خواستید درست بکنید باید درش را ببندید البته میدانم که توفیقهایی پیدا کرده اند و کارهایی شده است من همه اینها را میدانم ولی با وجود این، عرض میشود راجع به تب مالت بتصدیق تمام متخصصان از بدترین امراض است کسیکه دچار تب مالت میشود واقعاً باید منتظر بشود که با خوردن خوراها آنتی بیوتیک تازه معلوم نیست خوب شده باشد و چقدر ساده میشود جلو آنرا گرفت ولی نگرفته اند. در مجله بهداشت و درمان آماری دیدم که در قم آمده اند از ۸۱۹ مريض که تب دار بوده اند البته فکر نکنید این ۸۱۹ نفری که من میگویم یعنی از ۸۱۹ نفر که توی خیابان دیده اند و جمع کرده اند نه، از ۸۱۹ نفر تب دار که مراجعه کرده اند و مشکوک بوده اند خورشان را امتحان کرده اند ۱۲۱ نفر از آنها مثبت بوده آمار بدی است از ۳۰۴ رأس گاو که شیر یا بقیه چیزهایش را امتحان کرده اند ۹۹ رأس مبتلا بوده است پیشگیری یعنی چه؟ یعنی همین ها دامی، انسانی، يك کدام بچسبید فکری بکنید فرم بدهید کمک کنید بخدا من از همه آقایان بپایه اینجا هستند میبرسم که قسم بخورید از این تهران پایشان را بیرون بگذارید و به جرأت آن لبنیات خوشمزه دهات و روستاها را بخورید و از تب مالت نترسید، هیچکس بمن نمیتواند جواب بدهد چرا چنین است؟ راجع به بیماریهای مقاربتی چه اقدامی کرده اند؟ يك قلعه ای است بنام قلعه شهرنو افرادی هم که آنجا زندگی میکنند آنها هم جزء این مردم و این ملت هستند و در حدود خودشان باید برای آنها ارزش قائل باشیم و بهداشتشان را باید تأمین و رسیدگی کرد بر خورد کسانی که آنجا میروند و میآیند ممکن است که افراد دیگر را مبتلا بکنند باید آنجا را بهداشتی کرد باز هم در همین مجله خواندم جناب دکتر مرشد که ۸۶٪ امراض مقاربتی مقاوم دارند من وقتی انگلیس بودم یک روزی دیدم که با وحشت میگویند یک نفر که آمده اینجا سوشی از او گرفته اند و

گنوکوک از او گرفته اند معلوم شده که نوع مقاوم است از امراضی است که دوا روی آن اثر نمیکند و این ایجاد وحشت کرده بود که اگر اشاعه پیدا کند چه کنیم سابق با يك پنی سیلین مريض مقاربتی خوب میشد ولی حالا يك مسئله واقعی است و نمیشود اینها را بزودی حلش کرد اینها همه میروند به بیمارستانها بی نتیجه ۸۶ درصد این میکروب مقاوم آنجا هست و ناقل هم هست ۲۶ درصد سفلیس وجود دارد خوب اینها را با چه دوائی درمان میکنند و اصولاً بطور کلی آیا در این قسمتها چه کرده اند آیا توفیقی داشته اند و اگر داشته اند بگذارید در قسمتهای دیگر هم این توفیق کامل بشود مثال از دو کشور خارجی میزنم در کشور ژاپن ابتلاء بسرطان معده زیاد است بررسی کرده اند هزینه گذاشته اند تحقیقاتی کرده اند عده ای معتقدند که مصرف شیر زیاد در آنجا باعث این امر شده چون آنجا شیر زیاد میخورند ولی يك دستگاهی درست کرده اند که خودشان میروند کارخانه ۵ هزار کارگر کارخانه را جدا میکنند لوله را توی معده شان میگذارند و در همان مراحل اولیه می بینند که این سرطان در کدامشان در مراحل اولیه اش هست و قابل علاج هست و میتوانند خوش کنند این کار را میکنند یعنی برای تمام مردم يك چنین کار مشکلی را میکنند چرا؟ برای اینکه توی ۵۰۰۰ نفر دو نفر را پیدا کنند و تشخیص بدهند جان انسان است و ارزش دارد و خوش میکنند در جسای دیگر سرطان رحم اگر در مراحل اول تشخیص داده شود خیلی راحت میشود جلوش را گرفت ولی اگر يك خرده گذشت کاریش نمیشود کرد در تمام کشورها دو توفیقهای عجیب و غریبی پیدا کرده اند بحدی سخت میگیرند که يك زن تا ورقه رسمی یعنی نتیجه این باشد که سرطان اولیه ندارد نداشته باشد باو سرویس نمیدهند میگویند خوب شاید خودش نمی فهمد باید متوجهش کرد.

ما مریضخانه درست میکنیم دیوارهایش را از کریستال از پول بیت المال درست میکنیم آقا تحقیق چیز دیگری است مردم دوستی چیز دیگری است من این حرفها را میزنم شاید سرکار خانم دکتر پارسای از لحاظ اینکه



قبول نمی کنند و حق هم دارند چون ممکن است يك مصدوم و يك مریض سوخته پنجاه شصت هزار تومان خرج داشته باشد. ممکن است ماهها بخوابد ممکن است کلیه اش بلو که کند کلیه مصنوعی می خواهد ۷۰۰ تومان هزینه هر ساعت کلیه مصنوعی است این اگر يك کارگر نانوائی باشد تکلیفش چیست؟ این اگر در زیر چتر بیمه های اجتماعی نباشد تکلیفش با کیست؟ حالانی خواهی وارد معقولات بشوم، اما این بیمارستان سوانح سوختگی که بدست شاهنشاه و شهبانوی عزیز و گرامی ما افتتاح شد واقعاً جای خوشبختی است. چرا ما از این بانوی گرامی و خیرخواه یاد نمی گیریم؟ بهر حال دستگاهی نیست که مصدوم را از کنار خیابان به بیمارستان برساند آمبولانسی هم اگر هست هر کدام به يك فرم است يك جیب را آژیبر گذاشته اند و بصورت آمبولانس در آورده اند ۱۵ تا آمبولانس ارزان قیمت بیایند بگیری بگذارید در ۱۵ نقطه شهر، میگویند در صد هم هستیم و از این حرفها! ولی اینها بعلت نبودن برنامه ریزی است. اما در روستاها که اصلاً خبری نیست بعد آمارش را می گیریم. بکوقت صحبت از این شد که پیشگیری با درمان جدا است اما پیشگیری نباید این تعبیر را بدهد که يك چیز دیگر است و درمان يك چیز دیگر ایندو با هم مربوط است نمیشود تفکیک کرد. انشاءالله روزی پیشگیری مان طوری خواهد بود که جلوی تمام امراض را خواهیم گرفت. ولی باز آبانديس وجود دارد باز بیمار تدار پیدا میشود بیمار دل دردی بوجود می آید زخم معده هست فقط يك مقداری ما می توانیم بیماری را کم بکنیم. این هشدار را میدهم اگر وزارت بهداشت باید بگوید جواب درمان مردم را چه کسی میدهد؟

فکر نکنید کار درمان تمام شده، درمان بصورت خودش با کمیت و کیفیت خودش لااقل برای سالها وجود دارد و بعد هم اگر پیشگیری بعد کمال خودش رسیده تازه مقدار کمی از آن بر طرف شده و بقیه اش وجود دارد مادر کار پیشگیری ناقص بودیم و نتوانستیم کاری بکنیم عملاً کاری که مادر پیشگیری کردیم کارهایی نبوده که خیلی از آنها را بشود صحنه گذاشت من باب مثال چندتا میگویم

بیشترش را از حوصله آقایان خارج میدانم این کار تخصصی است باز هم مرا ببخشید که از سل و نظیر آن صحبت میکنم یکی از امراض که میشود با پیشگیری جلو آنرا گرفت و خیلی ناراحت کننده است سل است ولی مرضی خانمانسوز نیست قابل علاج است و راحت هم علاج میشود بکار من گفتم آمار سل این مملکت در حدود ۲ درصد است خرده گرفتند که اصلاً آماری وجود ندارد ولی داشت در دو نقطه آمار گرفتند یکی در بلوچستان و یکی هم در بزازرشت ۳۱ درصد است البته اینها مناطق سل خیز بوده است میگویند ۱/۵ درصد بهر حسابی و کتابی از این جمعیت ۳۰۰-۴۰۰ هزار نفر مسلولند ببینم دنیا چه میکند برای سل و ما چه کرده ایم؟ درد دنیا بچه طریق سل را معالجه میکنند؟ در يك کشور پیشرفته بطور خیلی ساده و بادواهی ارزان قیمت با استقبال سل میروند مردم قبل از اینکه سل بگیرند از آن دوا میخورند در بعضی جاهای دیگر مثل ژاپن و امریکا سربوگرافی میکنند تمام مردم را عکسبرداری میکنند که هر که مسلول بود از خانواده جدا کرده و دوا باو میدهند بمحض اینکه مسلول دوا خورد دیگر واگیر ندارد پس مریض را میشناسند و دوا میدهند و تمام میشود اگر سل مردم بطور صحیح معالجه شود که خیلی هم ارزان است معالجه بشود رقم آمار به ۱/۱۰ میرسد و میاید پائین و این کار را در شرکت نفت کردند و نتیجه هم گرفتند در اغلب جاهاد در ژاپن و جاهای دیگر آمار سل به ۱/۱۰ رسید اگر کسی در اینجا آمد و گفت بیمارم یعنی کسیکه مرض ناخرخره اش رسیده و از روستا آمده تا شهر رسیده که معالجه اش کند این روش غلط است دیدیم در بودجه برای آسایشگاهها بودجه گذاشته ایم مریض نباید بخوابد باید برود کار کند و از نیروی کارش استفاده کند دواي ارزان باید باو بدهد درست ماعکس این کار را میکنیم دواي مسموم کننده باو میدهم کار دیگری در مقابلش میکنیم از کاربرد کنارش میکنیم او را چاقو کش بار میآوریم و بعد انتظار داریم که او برای ما مردفعالی باشد اصلاً راهش این نیست و بعد بمریض یاد میدهم که این دوا اگر انقیمت است بتو میدهم برو بفروش من بی مطالعه این حرفها را نمیزنم این ها چیزی است که عمل میشود شما ببینیدم که جای دلم میسوزد حالا این سل بود مطلب دوم راجع به تب مالت

است که برخلاف اسم قشنگش بسیار مرض خطرناکی است و از سل بدتر است فکر نکنید من درس طب میخوانم بدهم (بکنفر از نمایندگان - تختههای سرخه حصار خالی است) قبول دارم اما اگر سرخه حصارا خواستید درست بکنید باید درس را ببندید البته میدانم که توفیقهای پیدا کرده اند و کارهایی شده است من همه اینها را میدانم ولی با وجود این، عرض میشود راجع به تب مالت بتصدیق تمام متخصصان از بدترین امراض است کسیکه دچار تب مالت میشود واقعاً باید منتظر بشود که با خوردن خروارها آنتی بیوتیک تازه معلوم نیست خوب شده باشد و چقدر ساده میشود جلو آنرا گرفت ولی نگرفته اند. در مجله بهداشت و درمان آماری دیدم که در قم آمده اند از ۸۱۹ مریض که تب دار بوده اند البته فکر نکنید این ۸۱۹ نفری که من میگویم یعنی از ۸۱۹ نفر که توی خیابان دیده اند و جمع کرده اند نه، از ۸۱۹ نفر تب دار که مراجعه کرده اند و مشکوک بوده اند خوششان را امتحان کرده اند ۱۲۱ نفر از آنها مثبت بوده آمار بدی است از ۳۰۴ رأس گاو که شیر یا بقیه چیزهایش را امتحان کرده اند ۹۹ رأس مبتلا بوده است پیشگیری یعنی چه؟ یعنی همین ها دامی، انسانی، بيك کدام بچسبید فکری بکنید فرم بدهید کمک کنید بخدا من از همه آقایان بکنید اینجا هستند میپرسم که قسم بخورید از این تهران پایتان را بیرون بگذارید و به جرأت آن لبنیات خوشمزه دهات و روستاها را بخورید و از تب مالت نترسید، هیچکس بمن نمیتواند جواب بدهد چرا چنین است؟ راجع به بیماریهای مقاربتی چه اقدامی کرده اند؟ يك قلعه ای است بنام قلعه شهرنو افرادی هم که آنجا زندگی میکنند آنها هم جزء این مردم و این ملت هستند و در حدود خودشان باید برای آنها ارزش قائل باشیم و بهداشتشان را باید تأمین و رسیدگی کرد بخورد کسانیکه آنجا میروند و میآیند ممکن است که افراد دیگر را مبتلا بکنند باید آنجا را بهداشتی کرد باز هم در همین مجله خواندم جناب دکتر مرشد که ۸۶٪ امراض مقاربتی مقاوم دارند من وقتی انگلیس بودم بکروزی دیدم که با وحشت میگویند بکنفر که آمده اینجا سوشی از او گرفته اند و

گنوکوک از او گرفته اند معلوم شده که نوع مقاوم است از امراضی است که دوا روی آن اثر نمیکند و این ایجاد وحشت کرده بود که اگر اشاعه پیدا کند چه کنیم سابق با يك پنی سیلین مریض مقاربتی خوب میشد ولی حالا يك مسئله واقعی است و نمیشود اینها را بزودی حلش کرد اینها همه میروند به بیمارستانها بی نتیجه ۸۶ درصد این میکروب مقاوم آنجا هست و ناقل هم هست ۲۶ درصد سفلیس وجود دارد خوب اینها را با چه دوائی درمان میکنید و اصولاً بطور کلی آیا در این قسمتها چه کرده اید آیا توفیقی داشته اید و اگر داشته اید بگذارید در قسمتهای دیگر هم این توفیق کامل بشود مثال از دو کشور خارجی میزنم در کشور ژاپن ابتلاء بسرطان معده زیاد است بررسی کرده اند هزینه گذاشته اند تحقیقاتی کرده اند عده ای معتقدند که مصرف شیر زیاد در آنجا باعث این امر شده چون آنجا شیر زیاد میخورند ولی يك دستگاهی درست کرده اند که خودشان میروند کارخانه ۵ هزار کارگر کارخانه را جدا میکنند لوله را توی معده شان میگذارند و در همان مراحل اولیه می بینند که این سرطان در کدامشان در مراحل اولیه اش هست و قابل علاج هست و میتوانند خوش کنند این کار را میکنند یعنی برای تمام مردم يك چنین کار مشکلی را میکنند چرا؟ برای اینکه توی ۵۰۰۰ نفر دو نفر را پیدا کنند و تشخیص بدهند جان انسان است و ارزش دارد و خوش میکنند در جنای دیگر سرطان رحم اگر در مراحل اول تشخیص داده شود خیلی راحت میشود جلویش را گرفت ولی اگر يك خرده گذشت کاریش نمیشود کرد در تمام کشورها دو توفیقهای عجیب و غریبی پیدا کرده اند بحدی سخت میگیرند که يك زن تا ورقه رسمی یعنی نتیجه این باشد که سرطان اولیه ندارد نداشته باشد باو سرویس نمیدهند میگویند خوب شاید خودش نمی فهمد باید متوجهش کرد.

ما مریضخانه درست میکنیم دیوارهایش را از کریستال از پول بیت المال درست میکنیم آقا تحقیق چیز دیگری است مردم دوستی چیز دیگری است من این حرفها را میزنم شاید سرکار خانم دکتر پارسای از لحاظ اینکه

طیب بوده اند (یک نفر از نمایندگان - حالا هم هستند) و شاید آشنائی داشته باشد. بیه میدانم ایشان طیب بودند و حالا وزیر آموزش و پرورش خوبی هستند و طبابت نمیکنند خانمی است بنام شیلارلاکه که دنیائی را ارشاد کرده میدانید او متخصص کبد است (یک نفر از نمایندگان - کجا است) در انگلیس است و خانم مسنی است این زن در فیری رویال هاسپیتال است عرض میشود که این خانم از لحاظ کلی برای اینکه یک نمونه خیلی کوچکی از او باشد صدایش ضبط شده در دانشکده منم که محصل بودم در درس یرقان های و بروسی که اتفاقاً در مملکت ما زیاد است و میدانم که جلوگیری میشود پانه چون هنوز یک مقداری مطالعات ناقص هست حتماً شما هم برخوردار کرده اید و شاید اغلب آقایان هم گرفته باشند (یک نفر از نمایندگان - یرقان چیست؟) یرقان یعنی زردی، در زمانیکه سر کلاس آمدند صدای ضبط شده خانم را بعنوان درس میگذاشتند او ترهای جدیدی آورد که رژیم باینها ندهید و دواهای زیاد ندهید فقط استراحت بکنند خوب میشوند بهر حال انقلاب کرد در این رشته و واقعاً خدمت کرده من بر اثر آشنائی دوری که داشتم در انگلیس که بودم تصمیم گرفتم سری باین خانم بزنم بخدا از پله بیمارستان که میرفتم بالا وضع طوری بود که نزدیکم برگشتم گفتم فلانی را میخواهم گفتند بمن که برو بالا گفتم فلانی که متخصص فلان بیماری است گفتند بلی برو بالا من دوباره رفتم بالا پیش این خانم که نشستم دیدم میزی که جلوش هست از میزهای چوبی قدیمی است که جاهائی از آن شکسته است و بالکویلاست چسبانده است و در همانجائیکه من نشسته بودم دیدم از امریکا و اقصی نقاط دنیا تلفن میکنند و راجع به لامهائی که برایش فرستاده میشد صحبت میکرد تشخیص میخواهند باینک کلمه خیالم را راحت کرد و من باین صدا با شما صحبت میکنم یعنی اسباب و وسیله لوکس نیست که درمان کامل بمردم میدهد یا تفحص ایجاد میکند این اصالت کار است که باید بآن چسبید (آفرین) این فرمی است که در سطح مملکت باید پیاپی شود مثلاً باز هم من راجع به معنادین اینجایک مختصر صحبتی میخواهم بکنم آمار که راجع به معنادین وجود دارد ۱۵۰ هزار معناد کارت

گرفته وجود دارند که خود ادارات مربوطه معتقدند از هر سه نفر يك نفر کارت میگیرد پس این می رسانند که ۴۵۰ هزار نفر معتقدند يك وقت قوانینی بود کسانیکه معنادن حق استخدام شدن ندارند ولی انجام نمیشود (یک نفر از نمایندگان - حالا هم هست) خیر من پرسیده ام از اداره آزمایشگاهها که انجام میشود گفتند مدتی است که چنین کاری نمیشود و دیگر چنین شرطی وجود ندارد حالا تحقیق بفرمائید اگر چنین نیست بنده عذر میخواهم الآن ببینید يك مدرسه ای قرار شد در وزارت بهداشت درست شود باسم مدرسه علوم آزمایشگاهی ضمن این بودجه ای که من خواندم دیدم نوشته اند رقم ۱/۴۰۰ هزار تومان اگر در قمش يك صفر کم میگویم می بخشید ترسیدم مورد بی لطفی قرار بگیرم دیدم چنین رقمی گذاشته اند و بعد که پرسیدم دیدم بله سالهاست که این بودجه را میگذارند و این مدرسه ساخته نمیشود میگویند بررسی کرده اند دیده اند اداره علوم آزمایشگاهها لازم نیست دانشگاه تهران هست دانشگاه ملی هست دانشگاههای دیگر هست اگر باید مدرسه درست شود باید توسط دانشگاهها باشد.

حق هم همین است میرسم این چندسالی هر ماه ۴۰ هزار تومان خرج پرسنلی جائی که اصلاً بوجود نیامده کجا رفته اگر حذف کردید این پولی که امسال توی بودجه گذاشتید برای چیست حالا يك دستگاه دیگر هم هست که بحق خوب کار میکند و آن مبارزه با مالاریا در وزارت بهداشت است وقتی که میگوئیم با مالاریا خوب مبارزه کردید ولی همان مالاریا هم ده سال است مبارزه اش تمام شده ولی کادرش را نگهداشته اند (دکتر زهرائی - باید نگه دارند که مرتب کنترل کنند) اجازه بدهید آن کادری که هر روز در خانه های مردم گردودت می باشد الان بآن صورت همه جلازم نیست فقط در جاهائی مثل بندر عباس باید مجهز باشند و جاهائیکه میخواهد بوجود بیاید کما اینکه وزارت بهداشتی اخیراً این کادر را منحل کرد و جزو اداره پیشگیری گذاشت من بسیار متشکرم یعنی اگر میخواهند باسل هم مثل همین مالاریا مبارزه کنند آمار آن امروزه ۳۰ هزار ۴۰ هزار یا حداکثر به ۵۰ هزار نفر رسیده بود یعنی ۳۰۰

هزار نفر آدم مثل آقای عباس میرزائی انرژی و خوش صحبت را نجات داده بود ...

**عباس میرزائی** - ولی من تا حال سل نگرفته ام.

**دکتر رئیسی** - عرض میشود که آزمایشگاه رفرانس یکی از دستگاههایی که در وزارت بهداشت خیلی خوب کار میکند و جناب دکتر مرشد هم بهتر از بنده میدانند جا و مکانی نداشت ۲۰ میلیون تومان سه سال است در بودجه دولت منظور میشود که بروند يك آزمایشگاه باسم آزمایشگاه رفرانس بسازند ولی نساخته اند از یکی از کارکنانش پرسیدم آقای کار شما معطل کجا است؟ گفت چطور؟ گفتم چطور این ساختمانی که ساخته نمیشود ۸۰۰ هزار تومان بههندس مشاور پرداخت شده ولی دوتا آجر روی هم نگذاشته اند؟ جواب داد که میگویند زمین نیست. چون راجع بزمین هم خیلی صحبت شد بگذریم و من دیگر چیزی نگویم بورس بازی و امثال آن را خیلی شنیدیم اگر بخواهند بشوند شنیدند ولی اینهم خوب نیست که بگویم آزمایشگاه رفرانس که برای مردم اهمیت حیاتی دارد زمینش نیست و سه سال است که این پول در بودجه منظور میشود و بی نتیجه میماند (فرهادپور - اولویت را حتماً در نظر میگیرند!) منم توی اولویت ها هستم عرض کنم يك مسئله دیگر که مردم را واقعاً زجر میدهد مسمومیت غذایی است که بیداد میکند يك نمونه اش را عرض میکنم در سالیکه گذشت در شهر تهران ۳۳ هزار آدم مسموم را به بیمارستان مسمومین بردند تمام این بچههایی که روی دست پدر و مادر میبرند همه از مسمومیت های غذایی است این بحث بود و نبود نیست این استفراغ و اسهالها همه از مسمومیت است این را همه میدانند که قلب در مواد همه جا هست ولی نه دیگر در هر خوردنی و آشامیدنی از مرغ و خروس گرفته تا فلفل و زردچوبه و آلبیو و سرکه و بقیه خوراکیها ....

**قدردان** - بچه کوچک سرکه میخورد!؟

**یک نفر از نمایندگان** - راه حل هم نشان بدهید.

**دکتر رئیسی** - مادارهای داریم باسم اداره کنترل

در مواد غذایی از جناب دکتر مرشد پرسید که این اداره چند تا جیب دارد؟ چندتا مدیر کل دارد؟ و چند استاد دانشگاه در آن مشغول کارند؟ او چرا راه حل نشان نمیدهد

اطلاعات بقال سرگذر از اطلاعات مسئولین این اداره بیشتر است از بقال سر کوجه پرسید که جنس خوب کدام است و جنس بد کجا است؟ میگوید جنس بد فلان جا است و من آن را نمیخرم ....

**یک نفر از نمایندگان** - مسمومیت غذایی مربوط به بهداشت و حفاظت مواد غذایی است.

**دکتر رئیسی** - یعنی شما میفرمائید اداره کنترل بر مواد غذایی نباید بازرسی کند؟

**دکتر زهرائی** - اداره کنترل بر مواد غذایی که نمیتواند بازرسی کند که چه کسی غذایش را در یخچال میگذارد و چه کسی نمیگذارد.

**دکتر رئیسی** - شما چرا این صحبت را میکنید آقای دکتر زهرائی؟ اینکه شما میخرید سرکه نیست؟ آلبیو نیست، حتی در مرغ زنده قلب میکنند؟ (یک نفر از نمایندگان - بچه شیر خوره که شیر مانده نمی خورد) شیر را از مغازه میخرند، نه اجازه بدهید واقعاً باید روزی نشست و غذای مطمئن بمردم داد این را نمیشود با حرف درست کرد این کافه های بی انصاف پول خلق الله را بی حساب میگیرند و مسمومشان هم میکنند اطاق اصناف باید بآن رسیدگی کند و اگر مراقبت نکنند این مسمومیت های غذایی باور کنید آقای دکتر زهرائی بیداد میکند، خسته شدید گوشه کوچکی بگویم آقای دکتر مرشد در وزارت بهداشت کدام قسمت است که کنترل دود میکند؟ اداره بهداشت محیط؟ چهارتا دستگاه دارد که این دستگاهها را میبرند در گوشه و کنار شهر (عباس میرزائی - دستگاه چیست؟) گویا شما کارگرا بآن موتور میگوئید بهر حال هر چه می خواهید تلقی کنید ....

**قدردان** - آقای رئیسی شما آقای عباس میرزائی را با همه کارگران قاطی نکنید.

**دکتر رئیسی** - چشم جناب قدردان من شمارا هم میدانم کارگر شریفی هستید یا بقول دوستان فرهادپور کارگر ساده دلی هستید بهر حال اداره بهداشت محیط؟ تادستگاه دارد می رود اینور آن ور که آلودگی هوا را معلوم کند بخدای لاشریک له اگر وزارت بهداشت برود کسی را استخدام کند که هوا را آلوده بکنند هرگز نمیتوانند مثل اتوبوسهای شرکت واحد این کار را انجام بدهند

است از رفقا خواهش کردم بمن بگوئید تا مراعات کنم خواستم حضورتان عرض کنم از این يك كاسه شدن امور درمانی سطحی نگذرید بگذارید این افتخار نصیب شماها بشود (دکتر دادفر - آقای دکتر این تحت بررسی است) اجازه بدهید جناب دکتر دادفر من سالها است میشنوم که رویش بررسی میکنند امیدوارم عملی شود ، خدا میداند، من اعتقاد این است که بایک كاسه شدن امور درمانی مردم بیشتر استفاده میکنند قانون هم آوردید عمل نکردید خواستم راجع به بهداشت مدارس بگویم بهداری مدارس منحل شده خوب فکر نمی کنید بچه ها را واقعاً نباید بامید خدا ول کرد باید مدارس کنترل شوند من باب نمونه يك مدرسه اعیانی را میگویم مدرسه ایران زمین چند وقت پیش بچه ای در آنجا استفراغ میکند پرستار بچه احتمال منتزیت میدهد نامه می نویسند بخانواده ها که يك بچه منتزیتی و مشکوک وجود دارد بلافاصله گریه وزاری راه افتاد که منتزیت آمده وقتی اطباء بررسی میکنند معلوم میشود میکرب معمولی بوده و منتزیت در مدرسه وجود نداشته ولی ایجاد يك چنین وحشتی در مردم کرده است شما فکر نمی کنید ۶/۵ میلیون بچه بمدرسه میرود در صورتیکه هیچ ضابطه درمانی ندارند (یک نفر از نمایندگان همه شان بیمه میشوند) آن بیمه حوادث است یعنی اگر سرش شکست پانسمان میکنند این غیر از آن چیزی است که بنده عرض کردم ، بیمه حوادث را هم مطالبی هست که در مقابل این همه پولی که میگیرند بهتر است جوابگوی نیاز بچه های مردم باشند ....

رئیس - آقای دکتر رئیسی خواهش میکنم بقیه مطالبتان را در جلسه بعد بفرمائید .

##### ۵- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده ساعت ۱۹ امشب تشکیل خواهد شد . (جلسه در ساعت هشت بعد از ظهر ختم گردید)  
رئیس مجلس شورای ملی - **عبدالله ریاضی**

گاهی اوقات پشت سر اینها آدم احساس خفگی میکند دستگاه را توی زیر زمین وزارت بهداری گذاشتند اندازه گیری اکسیدو کربن کرده اند دیده اند چند برابر میزان معمول است چند برابر بیشتر از میزان معمول طبقه اول در زیر زمین وزارت بهداری بوده است حالا هی بروید گوشه و کنار شهر دودهایش را اندازه بگیرید استاد من جناب آقای دکتر صالحی از بیرون شهر نگاه کنید ببینید هوای این شهر چقدر آلوده است؟ چیز دیگری را خدمتان عرض کنم بطور کلی ممالک پیشرفته جهان در مورد پیشگیری کار ارزنده ای میکنند این آبی که ما میخوریم بدون استثناء يك مقدار رادیو اکتیو در آن است این اگر از مقداری بیشتر شد بعضیها میگویند سرطان زا است ولی بهر حال اگر سرطان زا هم نباشد بیماری زا است ولی این میزان رادیو اکتیوی که در آبهای آشامیدنی ما وجود دارد (دکتر رشتی - از کجا میآید؟) توی آبها هست شاید از هوا میآید بعضیها توی چشمه هست در برف هست بهر حال باید اندازه گیری کرد ، کلر آب تهران را اندازه گیری کرده اند خوب بوده خوشبختانه ، البته در همه جا اندازه گیری نشده ولی راجع بفاضلاب تهران چه اقدامی شده است و چه برنامه ای دارید؟ یکی از رفقا اینجا راجع به فاضلاب حمامها صحبت میکرد که کجا میرود. راجع به بهداشت مدارس من تریك كاسه شدن را قبول دارم جناب دکتر الموتی این نکته را گوش کنید (دکتر الموتی - همه اش را با دقت گوش میکنم) میدانم ، میدانم شما شخص فوق العاده ای هستید هم می نویسید هم گوش می کنید (دکتر الموتی - هم جواب میدهم) بهر حال از این مسئله سطحی رد نشوید (یک نفر از نمایندگان - شما در فوق العاده بودن آقای دکتر الموتی شك دارید؟) بنده با اعتقاد گفتم (دکتر رشتی - از بس شما تند صحبت میکنید آقای دکتر الموتی دارند به تند نویسه کامک میکنند؟) من یکی از عیبها هم